



# خدای قلب من

دکتر مهدی خدامیان آرانی

سامانه پیام‌کوتاه نویسنده: ۳۰۰۰۴۵۶۹

پایگاه اینترنتی نویسنده: سایت نابناک

Nabnak.ir

انتشارات وثوق - قم

تلفکس: ۰۹۱۲ ۲۵۲ ۵۸ ۳۹ - ۳۷۷۳۵۷۰۰ همراه:

این کتاب می خواهد  
شما را با لذت دعا کردن بیشتر آشنا کند.  
باید از امروز به بعد خدا را به زبانی که می فهمیم، بخوانیم!

پس‌الله‌آل‌رّحمن‌آل‌رّحيم

يادم نمی‌رود اولین باری که خدا توفیق داده بود و من در شهر مدينه بودم.

شب جمعه بود و در کنار قبرستان بقیع، دعای کمیل برگزار می‌شد من همراه با دیگر هموطنان خود در آن مراسم شرکت کرده بودم. مراسم باشکوهی بود.

بعد از مراسم دعا، فکری به ذهنم رسید، دوست داشتم بدانم این مراسم، چه دستاوردهای برای هموطنان من داشته است.  
برای همین تقریباً از دویست نفر این سؤال را پرسیدم:

حاج آقا! حاج خانم!

آیا می‌توانی یک جمله از این دعایی که خوانده شد را برای من ترجمه کنی؟ به راستی ما در این مدت به خدا چه گفتیم و از او چه خواستیم؟  
شاید تعجب کنید، بیشتر مردم به من نگاه می‌کردند و نمی‌توانستند جوابی بدهند.

آن شب بود که من با خود گفتم که آیا وقت آن نرسیده است که دعاهای زیبایی که از ائمه اطهار علیهم السلام رسیده است برای مردم و خصوصاً جوانان عزیز، ترجمة کنیم؟

خدای قلب من / ۵

این گونه بود که این کتاب نوشته شد تا قدمی کوتاه به سوی آن آرزو  
بزرگ باشد.

اکنون تو با این کتاب که ترجمه ساده‌ای از دعاهاي مختلف است،  
می‌توانی با خداي قلب خود سخن بگويي و لذت ببری.  
شما می‌توانيد دليل سخنان مرا در پی‌نوشت‌هايي که برایتان ذكر  
کرده‌ام، بیابيد.

بسیار خوشحال می‌شوم که از نظرات شما در مورد این کتاب بهره  
برم، متظر شما هستم.

قم، آذر ۱۳۸۷  
مهدي خداميان آرانى

# ۱

## خدای من !

از تو می خواهم با من مهربان باشی آن لحظه‌ای که مرگ به سراغم آمد  
باشد و دوستان و عزیزانم بر من گریه کنند!  
آن لحظه‌ای که مرا در تابوت بنهند و به سوی قبر ببرند، من خیلی به  
مهربانی تو محتاجم.

چرا که تو خود می دانی آن لحظه‌ها، هنگام بی کسی من است.  
امیدم فقط به تو است که دستم را بگیری و غم از دلم بزدایی.<sup>۱</sup>  
اگر تو مرا بپذیری، دیگر از دوری همه، غمی به دل نخواهم داشت.  
ای کسی که سخن بندگان خود را می شنوی و امیدشان را ناامید  
نمی کنی!<sup>۲</sup>

## ۲

### خدای من !

اگر عمر مرا هزاران سال قرار دهی و من هم در تمام عمر به عبادت تو مشغول شوم، نمی توانم شکر یکی از نعمت هایی که به من داده ای، بجای آورم!

به خودت قسم، من می دانم که نمی توانم آن همه نعمت های خوب تو را شکرگزاری کنم!<sup>۳</sup>

به راستی که بندگان خوب تو هم مثل من از شکر تو ناتوانند.  
اما دلم به این خوش است که در مقابل این همه نعمت های تو اعتراف کنم که از شکر تو عاجز و ناتوانم!  
من این احساس ناتوانی را به پیشگاهت هدیه می کنم.  
شاید که قبول کنی!<sup>۴</sup>

# ۳

## خدای من !

تو خود می دانی که اگر من معصیت کردم، شرمنده تو هستم.  
چه کنم، شیطان و سوشهام کرد و فریبم داد.  
چون شیطان خودش از تو دور شده بود، می خواست مرا هم از تو دور  
کند.  
اما خودت خوب می دانی، من طاقت دوری تو را ندارم.  
من بدون تو نمی توانم زنده بمانم!  
من به عشق و مهربانی تو زنده هستم.  
پس بر من رحم کن و توبه ام را بپذیر چرا که می دانم تو توبه کنندگان را  
بسیار دوست داری!  
اکنون که به درگاهت آمده ام، به بخشش بی انتها یت امید بسته ام.  
ای بهترین بخشنده ها!<sup>۵</sup>

## ۴

### خدای من !

تو که می دانی من لحظه ای در ایمان به تو شک نکرده ام و هرگز گرد  
شرک و کفر نرفته ام!

اما گاه هوای نفس فریبیم داد و به گناه آلوده شدم.

تو که از قلبم آگاه بوده و هستی، خوب می دانی.

آری، گناه من یک هوس سیاه بود ولی به معنای قهر کردن با تو نبود.

تو خود می دانی همان لحظه گناه هم نمی خواستم با تو دشمنی کنم!

اکنون از کرده خویش پشیمانم و به درگاه تو رو کرده ام.

پس گناهم ببخشای که من محتاج بخشش توام!<sup>۹</sup>

# ۵

## خدای من !

دیشب خیلی دلم هوای تو را کرده بود و می خواستم با تو سخن بگویم  
ودرد دل کنم اما به یاد گناهان خویش افتادم، شرمندۀ رویت شدم و  
سکوت کردم.  
راستش از تو خجالت کشیدم.  
اما وقتی به تپش‌های قلب خویش گوش فرادادم، دوباره متوجه لطف تو  
شدم!

این قلب من به عشق تو می‌تپید!  
زیرا تو مرا عاشق زیبایی‌هایت نموده‌ای، و من دیگر نمی‌توانم دوستت  
نداشته باشم!  
آن خجالت گناه در پرتو عشق تو رنگ باخت و بار دیگر صدایت زدم.  
ای خدای قلب من، دوستت دارم!<sup>۷</sup>

# ۶

## خدای من !

اگر می دانستم که عذاب کردن برای تو فایده‌ای دارد، از تو می خواستم تا  
به من صبری عنایت کنی تا عذاب تو را تحمل کنم!  
اما چه کنم که می دانم اگر همه مردم نافرمانی تو کنند به تو هیچ ضرری  
نمی رسانند.

حال که می دانم معصیت و گناهم به تو هیچ ضرری نمی رساند؛  
اکنون که می دانم حتی کارهای خوب من هم برای تو هیچ فایده‌ای  
ندارد؛

از تو می خواهم که گناهم را ببخشایی و مرا از عذاب خود نجات دهی.  
ای کسی که قبل از من هم گنهکاران زیادی را بخشیده‌ای!  
ای مهربان‌ترین مهربانان!^

# ۷

## خدای من !

فردای قیامت که مرا بار دیگر زنده کنی و برای حسابرسی صدایم بزنی  
به خودت قسم!

اگر گناهانم را برایم بشماری، من هم بخشن و مهربانی‌هايت را برایت  
می‌شمارم!

اگر خطاهایم را به رخم بکشی، من هم آقایی و بزرگی تو را به رخت  
خواهم کشید!

باور کن که هیچ گاه مهربانی‌هايی که به من نمودی فراموش نمی‌کنم!  
شاید یک بار دیگر با مهربانی به من نگاه کنی.  
و آن گاه خوشابه حال من!<sup>۹</sup>

# ۸

## خدای من !

همه دنیال این هستند که عزیز و بزرگ شوند و من هر چه فکر می کنم  
می بینم که عزّتی بالاتر از این نیست که بندۀ خدایی چون تو هستم.  
به راستی که عزّت دنیا و آخرت در بندگی تو است.  
به خودت قسم، برای من همین بس که خدایی چون تو بزرگوار و  
مهریان دارم.

وقتی می بینم خدایی، چون تو دارم به خود می بالم و دلشادم.  
تو همان گونه هستی که من دوست دارم!  
پس مرا هم آن گونه قرار ده که خود دوست داری.  
تا همواره از بندگان خوب تو باشم.<sup>۱۰</sup>

# ۹

## خدای من !

چون به یاد گناهانم می افتم، دیگر نمی توانم با تو سخن بگویم و تو را  
صدا بزنم!

اما همان لحظه است که امید به تو نجاتم می دهد<sup>۱۱</sup>

و مرا به گدایی در خانه ات راهنمایی می کند!  
آری، خوب می دانم تو هستی که پیک امید را برای قلب من می فرستی تا  
مبادا در نامیدی تباہ شوم.

اکنون که مرا به لطف خویش امیدوار کرده ای، امیدم را نامید مکن.

چرا که از همه کس نامید شده ام و به تو دل بسته ام.<sup>۱۲</sup>

اکنون که تو امید را به من یاد داده ای پس ترس و وحشت را از دلم بزدای  
و آرامش را بر من ارزانی دار.<sup>۱۳</sup>

۱۰

## خدای من !

آن لحظه‌ای را به یاد می‌آورم که بدنم را در قبر نهند؛  
دوستانم بر سر خاکم گریه کنند و اشک بریزنند؛  
من سر بر تیره خاک نهاده باشم و در تنها‌ی خود بی‌کس و تنها باشم.  
تاریکی قبر آزارم دهد و قلبم را با وحشت عجین سازد.  
در آن لحظه‌های بی‌کسی به فریادم برس!  
مرا به مهمانی خود قبول کن!  
که اگر تو مرا قبول کنی از هر کسی به من مهریان‌تر خواهی بود؛  
هم مونس و هم رفیق من خواهی بود  
و آن لحظه‌ها، شیرین‌تر از عسل خواهند شد.  
چرا که به مهمانی تو آمدهام و کسی که میزبانی چون تو دارد غم ندارد.<sup>۱۴</sup>

۱۱

## خدای من !

وقتی تو را صدا می زنم، صدایم را بشنو!  
وقتی با تو سخن می گوییم، رویت را از من برمگردان و مهربانانه نگاهم  
کن!  
من به درگاه تو پناه آوردهام.  
تو که از حال من خبر داری، حاجت مرا می دانی و قلب مرا می خوانی  
اگر تو جواب مرا ندهی چه کسی یاریم می کند؟  
من خود می دانم که شایسته مهربانی تو نیستم اما رحمت تو آن قدر  
بی انتها است که می تواند مرا هم در برگیرد!  
به درگاه تو آمدہام در حالی که به رحمت تو امیدوارم.  
پس رویت را از من برمگردان!  
دست رد بر سینه ام مزن که جز تو کسی را ندارم!<sup>۱۵</sup>

۱۲

## خدای من !

در این فکر بودم که اگر مرگ به سراغ من آید چه کنم و چگونه با تو  
روبرو شوم؟  
آیا به نماز و روزه‌ام بنازم؟  
نه، همه کارهای من پر از عیب و نقص است، پس چه کنم، چه چیز را به  
درگاه تو عرضه کنم؟  
فهمیدم، تنها یک چیز دارم که بی‌عیب و نقص است و می‌توانم آن را به  
درگاه تو بیاورم، آن هم اعتراف به گناهاتم است!  
تو خود می‌دانی که در این احساس شرمندگی خویش، ریایی نکرده‌ام،  
این پاک‌ترین احساس من بوده است!  
برای همین آن را برای شب اول قبرم، ذخیره کرده‌ام که به درگاه تو  
عرضه کنم.<sup>۱۶</sup>

۱۳

## خدای من !

چگونه از بخشش تو در روز قیامت نامید شوم حال آنکه در این دنیا  
جز خوبی از تو ندیدم!  
تو گناهان مرا در این دنیا پوشاندی، حال چه می‌شود که در روز قیامت  
گناهانم را بپوشانی!  
اگر مرا دوست نمی‌داشتی، مرا با خود آشنا نمی‌کردی.  
برای روز قیامت، به کارهای خوبم دلخوش نیستم چرا که اعمال خوبم  
بسیار کم است اما دلخوشیم، در امیدواری به تو است، چرا که خودت هم  
می‌دانی، امید من به تو بسیار زیاد است.  
می‌دانم که تو هیچ‌گاه این امید را از من نخواهی گرفت!  
چرا که خود می‌دانی، این تنها سرمایه من است!  
امید به تو همه چیز من است.<sup>۱۷</sup>

۱۴

## خدای من !

تو که می دانی فقط عشق تو می تواند مرا از گرداد بگناه نجات دهد و از  
دام شیطان برهاند.<sup>۱۸</sup>

پس عشق خودت را در قلبم بیشتر و بیشتر بگردان که باور دارم عشق تو  
مایه نجات دنیا و آخرت من است.

قلب مرا حرم خود قرار داده ای پس کمک کن تا غیر تو در این حرم  
جای نگیرد.<sup>۱۹</sup>

خدایا! به من دلی مملو از شوق به خودت بده تا بتوانم به تو نزدیک و  
نزدیک تر شوم.

مرا از کسانی قرار ده که لحظه به لحظه، عشق و محبتان به تو بیشتر و  
بیشتر می شود.<sup>۲۰</sup>

۱۵

## خدای من !

آن روزی که همه مرا فراموش کنند و هیچ اثری از من نباشد با من  
مهربان باش!<sup>۲۱</sup>

من که از همه جا دل کنده و به در خانه تو رو آورده‌ام، امیدوارم که  
در خانه‌ات را به رویم بگشایی، چرا که خود می‌دانی دل شکستن هنر  
نمی‌باشد.<sup>۲۲</sup>

اکنون که دلم را با عشق به خود زنده کرده‌ای، چگونه به عذابت گرفتارم  
خواهی نمود?<sup>۲۳</sup>

اگر چه به خاطر گناهانم از کاروان خوبیان عقب مانده‌ام ولی به خوبی و  
مهربانی تو دل بسته‌ام که مرا در زمرة بندگان خوب خود قرار دهی!<sup>۲۴</sup>

۱۶

## خدای من !

آن روز که سر از قبر بیرون آورم و خاک از سر و صورتم بریزد محتاج  
مهربانیت هستم.  
از آنچه چشمم می بیند در هراس خواهم بود و اضطرابی بزرگ تمام  
وجودم را فرا خواهد گرفت!  
آن روز غصّه های من زیاد است، مبادا تو با قهر کردن با من بر غصّه هایم  
بیفزایی!  
برای آن روز سرمایه بزرگی اندوخته ام که همان امید به مهربانی تو است!  
ای بی نیاز!  
آیا تو تنها سرمایه مرا از من خواهی گرفت!<sup>۲۵</sup>

۱۷

## خدای من !

مگر خودت در کتاب خویش نفرمودی:  
ای بندگان من که بر خود ستم کرداید،  
از رحمت من نامید نشوید که من تمام گناهان شما را می بخشم.  
حال که من این سخن تو را شنیدم پس چگونه به بخشش تو امید نداشته  
باشم.  
هر چه فکر می کنم می بینم که تو همواره به من خوبی و احسان کردی و  
همین مرا نوید می دهد که به من نگاه محبت داری!  
و هر کس که تو به او این گونه نظر کنی دیگر چه کم دارد؟  
از تو می خواهم مثل همیشه با من مهربان باشی.  
مرا دوست داشته باشی و عشقت را در قلبم جای دهی!

۱۸

## خدای من !

اگر گناهانِ من به اندازه آسمان‌ها و زمین هم بشود هرگز از بخشش تو  
نامید نخواهم شد و همواره در انتظار مهربانیت خواهم ماند.  
تو بودی که یادم دادی تا تو را بخوانم پس اکنون که تو را می‌خوانم مرا  
نامید مکن !

به عزّت و بزرگیت قسم که تو را چنان دوست دارم که لذت این دوستی  
را در عمق وجودم احساس می‌کنم و هرگز باور نمی‌کنم که تو دوستان  
خود را دوست نداشته باشی !  
در انتظار عفو تو می‌مانم و هرگز از رحمت تو نامید نمی‌شوم.  
که هیچ انتظاری را از این شیرین تر نمی‌یابم.  
پس مناجات با خودت را روزیم کن تا بتوانم با یاد تو به آرامش برسم؛  
و قلبم را بالذت عشق خود آبیاری کن.<sup>۲۷</sup>

# ۱۹

## خدای من !

در خانه تو جایی است که همه به آن رو کرده‌اند و با هزاران امید و آرزو  
به سویت آمده‌اند.

بندگانت به تو پناه آورده‌اند چرا که جز تو پناهگاهی نیست.

مگر ما خدایی به غیر تو داریم که به سوی او رو کنیم؟

مگر کسی هست که مایه امید ما باشد تا به او دل ببندیم؟

به عزت قسم که من در درگاه تو جز بیچارگی ندارم که عرضه کنم، پس  
به بیچارگی ام رحم کن!

به بزرگیت سوگند که هرگز از در خانه تو نمی‌روم و آنقدر بر در این  
خانه می‌مانم تا مرا بیخشی و به من نگاه محبت آمیز کنی.

من آن بخشش بزرگ تو رامی خواهم!

من آن بزرگواری بی مثل و مانند تو را جستجو می‌کنم!<sup>۲۸</sup>

۲۰

## خدای من !

گاه با خود می‌گوییم چگونه تو را بخوانم و صدایت زنم حال آنکه  
نافرمانی تو را کرده‌ام!  
اما به یاد می‌آورم که تو چقدر بخشنده و مهربانی، برای همین با دلی  
امیدوار تو را صدا می‌زنم.  
گرچه گنهکارم اما قلبی دارم که با عشق تو آشنا است!  
گناهانم را به یاد می‌آورم و از تو می‌خواهم مرا ببخشی در حالی که اشک  
در چشم‌مانم نشسته است، شاید که قبولم کنی!  
من همان کسی هستم که هرگز از تو ناامید نشوم!  
آن قدر صدایت می‌زنم تا جواب مرا بدھی و مهربانی را بر من ارزانی  
داری!<sup>۲۹</sup>

## ۲۱

### خدای من !

نمی‌دانم به کدام عمل خود، دل‌خوش باشم؟  
در روز قیامت، آن وقت که در حضورت قرار گیرم، چاره‌ای ندارم جز  
آنکه سر خود را پایین گیرم و فقط به رحمت تو امیدوار باشم!  
چرا که تو خود به پیامبر ﷺ فرمودی: «به بندگانم خبر ده که من بخشنده  
و مهربانم».

پس به همان رحمت تو، دل‌خوش دارم چرا که خوب می‌دانم رحمت  
تو بیش از غصب تو است و همین مرا بس است.  
آیا تو مرا به حال خود رها می‌کنی، حال آنکه می‌دانی جز تو یاوری  
ندارم!

آیا روی خود را از من برمی‌گردانی، حال آنکه به روی مهربانست، دل  
خوش کرده‌ام؟<sup>۳۰</sup>

۲۲

## خدای من !

من از تو حیا نکردم و نافرمانیت کردم، حریم تو را پاس نداشتم و تو را فراموش کردم!

اما چون بلایی به من رسید به فکر فرو رفتم که چگونه صدایت کنم، حال آن که در حضور تو گناه کرده‌ام.

اما کسی جز تو نمی‌توانست، مشکل مرا حل کند و من خدایی جز تو نداشتم.

پس صدایت زدم و تو جوابم را دادی و مشکلم را حل نمودی!  
تو بیچارگی مرا دیدی، به من رحم نمودی و مرا فراموش نکردی!  
این خوبی تو را فراموش نمی‌کنم!  
ای خدای خوب من!<sup>۳۱</sup>

۲۳

## خدای من !

اگر تو بخشنده و مهربان نبودی من هم گناه نمی‌کردم!  
مگر تو نبودی که گفتی:

«هر کس صدایم زند جوابش می‌دهم؛

هر کس به درِ خانه‌ام بیاید به او نظر می‌کنم».

اکنون به درِ خانه تو آمدهام و صدایت می‌زنم!

آیا به وعده خود وفا نمی‌کنی؟!

تو با خوبی، شهره عالم شده‌ای و من هم با بدی!

آه! من چقدر گناه تو کردم و تو چقدر در حق من خوبی کردی!

اکنون که شرمنده تو هستم، از تو می‌خواهم که مرا ببخشی و از گناهان

پاکم کنی.

۲۴

## خدای من !

چون به یاد می آورم که تو مهربان و بخشنده هستی، غرق شادی  
می شوم!

اماً چون به یاد آن می افتم که عذاب تو برای گنهکاران شدید است،  
غمناک می شوم.

من میان این غم و شادی گرفتار شده‌ام.

از تو می خواهم مرا از این غم برهانی، از عذاب خود نجات دهی، این  
شادی را استمرار بخشی و از مهر خویش روزیم کنی.

اگر من شایسته مهربانی و عفو تو نیستم ولی خوب می دانم که رحمت  
تو آن قدر زیاد است که گوشه‌ای از آن شامل من هم شود.

از تو می خواهم تا رحمت بی انتهاء خود را شامل من هم بنمایی! و دل  
مرا با مهربانیت شاد سازی که سخت به مهربانی تو نیاز مندم.<sup>۳۳</sup>

۲۵

## خدای من !

تو عشق به خودت را در قلبم قرار دادی، مرا شیفته خود کردی و به من  
مهربانی‌های زیادی نمودی!

اماً من به سوی دیدار تو نشستافتم، چرا که خود را به گناه آلوده کردم!

تو به من این همه مهربانی کردی اماً من از تو فرار کردم!

من خود به پرونده اعمالم نظری کردم و گناهان زیادی در آن یافتم پس

چگونه با این همه گناه به دیدارت بشتایم!

اماً اگر تو از من راضی شوی و رحمت خود را بر من نازل کنی، پس  
خوشابه حال من!<sup>۳۴</sup>

تو همان خدایی هستی که خود را بخشند و مهربان نام نهادی! اکنون

من خواهان همان مهربانی تو هستم!

آیا مرا از آن محروم می‌کنی?<sup>۳۵</sup>

۲۶

## خدای من !

تو همواره نعمت‌های خود را برم نازل کردی و هر صبح و شام روزی  
مرا فرستادی!

تو از بس مهریان بودی، نگذاشتی من سختی بلا را ببینم و همه بلاها را  
از من دور کردی!

تو اسباب آرامش مرا در زندگی فراهم نمودی و من فراموشت نمودم!  
آن گاه تو هم کمی رهایم کردی و آن وقت بود که بلا آمد!  
حالا فهمیدم که تو بودی که بلا را از من دور می‌کردی!

پس به یاد تو و مهریانی‌های تو افتادم!  
تو را صدا زدم:

ای فریادرس! به فریادم برس!

۳۶

۲۷

## خدای من !

از زیادی گناهانم متحیر شده‌ام و نمی‌دانم چه کنم!  
گناهانم دیگر برای من پیش تو آبرویی نگذاشته‌اند!  
با چه رویی با تو سخن بگوییم؟  
چگونه صدایت بزنم، حال آنکه چنین گناهکارم و چگونه صدایت نزنم  
در حالی که تو بخشنده و مهریانی؟  
چگونه غمگین نباشم چرا که نافرمانی تو کردم و چگونه شاد نباشم چرا  
که تو خدای منی و کریم و بزرگواری!  
اگر تو به من رحم نکنی، چه کسی بر من رحم خواهد نمود؟  
آیا مهریان دیگری را می‌شناسی تا من به درِ خانه او بروم؟  
به خودت قسم، درِ خانه دیگری را نمی‌شناسم تا به آنجا پناه ببرم.  
تو فقط پناه من هستی! تو فقط امید من هستی!<sup>۳۷</sup>

۲۸

## خدای من !

دلم گرفته است و نمی‌دانم چه کنم؟  
چقدر از گناهان خود توبه کنم و دوباره به گناه آلوده شوم؟  
عمرم را در دوری از تو تباہ نمودم و اکنون بار گناه بر دوشم سنجینی  
می‌کند.

بیچاره‌ای هستم که به تو پناه آورده‌ام و کسی را جز تو ندارم.  
من همچنان منتظر بخشش تو می‌مانم و هرگز از رحمت ناامید  
نمی‌شوم.  
من آن بنده گنه‌کارم که شرمنده روی تو گشتم.  
نمی‌دانم آیا دیگر پیش تو آبرویی دارم یا نه.<sup>۳۸</sup>

۲۹

## خدای من !

یادم نرفته است که تو توبه پدرم حضرت آدم ﷺ را قبول کردی!  
و گناه او را بخشیدی و او را از دوستان خود قرار دادی!  
ای کسی که گناه پدرم را بخشیدی، گناه فرزند او را هم ببخش!  
اکنون که شیطان و سوشهام می‌کند و دشمن قسم خورده من است و  
تلash می‌کند مرا از تو دور کند، تو مرا یاری کن که فقط با کمک تو  
می‌توانم از شر دشمنم نجات پیدا کنم.  
تو کاری کن که همواره بندگیت در کامم شیرین باشد  
و قلبم مملو از عشق تو باشد تا دیگر فریب شیطان را نخورم!

۳۹

٣٠

## خدای من !

تو در قلبم یاد خود را الهام کردی، مرا به دعا کردن تشویق نمودی،  
دعوتم کردی تا صدایت بزنم و با تو سخن بگویم.  
به درِ خانه‌ات آمده‌ام در حالی که جز زیبایی از تو انتظار ندارم!  
آری، با هزاران امید به درِ خانه‌ات آمده‌ام و با تو خلوت کرده‌ام.  
من با آرزویی بس بزرگ به سویت آمدم!  
معصیت تو کردم اماً امید دارم که مرا ببخشایی!  
پس نامیدم مکن که جز تو امیدی ندارم.  
ای کسی که هرگز امیدواران به خودش را نامید نمی‌کند!

۳۱

## خدای من !

مگر عفو و بخشش از ویژگی های تو نیست!  
چگونه تو را صدا نزنم و به بخشش تو دل نبندم، حال آنکه از تو جز  
مهربانی ندیدم.  
من همان بندهای هستم که دل از امید به تو بر نکنم با این که گناهکارم!  
خودت بگو، گناهانم زیادتر است یا عفو و بخشش تو؟  
با آن بخشش های بزرگت، گناهان بزرگ مرا ببخش!  
تو همه را به سوی مهربانی خود دعوت کردی!  
من آمدهام تا آن مهربانی تو را جویا شوم.  
آیا مرا از آن محروم می کنی؟<sup>۴۱</sup>

۳۲

## خدای من !

گناهان من هرگز نمی توانند از خوبی تو کم کنند!  
از تو می خواهم آن گونه با من برخورد کنی که خود شایسته آن هستی  
زیرا می دانم که تو بخشنده و مهربانی.<sup>۴۲</sup>

اکنون که گناهانم زیاد است به دو چیز فکر می کنم:  
اوّل اینکه تو چقدر از عذاب کردن من بی نیاز هستی!  
دوّم اینکه من چقدر به عفو و بخشش تو نیازمند هستم!  
به خودت قسم که بخشش گناهان من بر تو بسیار آسان است،  
ای کسی که گناهان بندگانت به تو ضرری نمی زند!<sup>۴۳</sup>

۳۳

## خدای من !

تو خود مرا به مهربان بودن دستور دادی،  
آیا می شود، تو فراموش کنی با من مهربان باشی؟  
اگر گرفتار طوفان نامیدی شوم، تمام وجودم نابود می شود، اما در سایه  
مهربانیت، زنده می شوم!  
پس نسیم مهربانیت را برای روح من بفرست تا بهاری شوم و دوباره  
زنده لطف تو گردم.  
تو که اشک چشم مرا می بینی که به درگاهت فرو می ریزد!  
چگونه باور کنم که اشک چشمم را بینی و باز دلم را بشکنی و جوابم را  
ندهی؟<sup>۴۴</sup>

۳۴

## خدای من !

اگر راه زندگی خویش را گم کردم و به بیراهه رفتم، اکنون به تو پناه  
می آورم که تو پناه من هستی !

اگر دیروز به سوی نافرمانی تو گام برداشتیم، امروز با سخن گفتن با تو  
در راه خوشبختی گام برمی دارم !

اگر تو شه ام برای پیمودن مسیری که مرا به تو می رساند، کم است اما امید  
به لطف تو دارم، چرا که هر کس به سوی تو بیاید در آغوش لطف  
خویش قرارش می دهی !<sup>۴۵</sup>

پس بار دیگر به من مهربانی کن و مرا قبول کن !  
ای مونس لحظه های تنها بی ام ! و ای پناه قلب خسته ام !<sup>۴۶</sup>

۳۵

## خدای من !

تو تمام لذت‌های دنیا را این گونه خلق کرده‌ای که چون به آنها برسم از  
آنها دلزده می‌شوم.

اما فقط یک لذت را از این قانون استثنای کرده‌ای و آن هم لذت با تو بودن  
است!

هر بار که با تو مناجات می‌کنم، تو را بیشتر می‌خواهم، هیچ کس از با تو  
بودن سیر نمی‌شود.

چرا که زیبایی تو بی‌انتها است؛ خوبی و مهربانیت اندازه ندارد!  
لذت دائمی یاد خود را به کام این بندۀ شرمنده و امیدوارت بچشان.<sup>۴۷</sup>

## ٣٦

### خدای من !

مگر تو نبودی که مرا از نامیدی بر حذر داشتی و فرمودی:  
«ای بندگان گهنکارم! از رحمت من نامید نشوید که خدا همه گناهان را  
می بخشد». <sup>۴۸</sup>

پس چگونه تصور کنم که مرا نامید کنی؟  
چرا جواب مرا نمی دهی؟  
نکند که گناهانم مانع می شوند تا صدای من به تو برسد؟  
اگر گناه نمی گذارد که دعایم مستجاب شود، خوب می دانم که هیچ چیز  
نمی تواند بین من و عفو تو فاصله بیاندازد. <sup>۴۹</sup>

۳۷

## خدای من !

وقتی نافرمانی تو کردم و به گناه آلوده شدم به عفو تو امید داشتم، چرا که  
پیش از آن عفو و رحمت تو را دیده بودم.  
چون من مهربانی تو را دیده بودم، جرأت کردم که گناه کنم، اگر از زود  
عصبانی شدنت هراس می داشتم، از گناه دوری می کردم!  
بندگانت همه فقیر و محتاج تو هستند ولی من از همه به تو محتاج تر  
هستم، چرا که گناه‌نم را کسی جز تو نمی بخشد!  
اکنون چه کنم؟ و به کجا بروم؟  
کیست که این بندۀ شرمنده را قبول کند جز خود تو؟  
تو خدای من هستی و من به مهربانی تو دل خوش کرده‌ام!<sup>۵۰</sup>

۳۸

## خدای من !

من کیستم که تو بخواهی بر من غضب کنی؛  
من کیستم که تو مرا عذاب کنی؛  
من در دستگاه با عظمت تو، ذرّه‌ای بیش نیستم ولی تو در اوج عظمت و  
جلالی!

تو چگونه با آن همه بزرگی و عظمت می‌خواهی یک ذرّه را عذاب کنی؟  
تو به عبادت و بندگی من نیاز نداری اماً من به مهریانی تو سخت  
نیازمندم.

اگر تو مرا تنها گذاری، کیست که مرا یاری کند؟  
اگر تو مایه آرامش من نشوی، چه کسی می‌تواند این قلب آشفته را آرام  
کند؟<sup>۵۱</sup>

۳۹

## خدای من !

تو بزرگواری و بس کریم!

چون بزرگواران بخواهند عطا بی کنند به کرم خود نگاه می کنند، نه به  
شایستگی دیگران!

من شایستگی مهر بانی تو را ندارم اماً به کرم تو چشم دوخته ام!  
گرچه با گناهانی که انجام داده ام رویم سیاه است اماً از تو می خواهم که  
هیچ گاه رویت را از من بر نگردانی.

چرا که خود می دانی که بنده ات فقط به مهر تو دل بسته است!  
بند تو به خودت امید دارد و می داند که اگر به غیر تو دل خوش دارد،  
نامید خواهد شد. ۵۲

٤٠

## خدای من !

اگر چه گاهی در بندگی تو کوتاهی می‌کنم ولی نافرمانی تو را دشمن  
می‌دارم.<sup>۵۳</sup>

اگر قرار باشد که تو فقط به بندگان خوبت نگاه کنی پس گنهکاران به کجا  
پناه ببرند و با که سخن بگویند!<sup>۵۴</sup>

مرا از کسانی قرار ده که صدایشان زدی و آنها نیز به سوی تو آمدند.<sup>۵۵</sup>  
بار خدایا! چگونه از در خانه تو با نامیدی برگردم، حال آن که آرزو  
داشتیم که چون به سوی تو رو کنم با مهربانی مرا بپذیری.<sup>۵۶</sup>

۴۱

## خدای من !

به این فکر بودم که من گدای در خانه تو نیستم!  
چرا که گدایان چون از کسی جواب رد بشنوند، دل کنده و به جای دیگر  
می‌روند و امید دارند کس دیگری به آنها توجه کند.  
اما تو خود می‌دانی من جای دیگری ندارم که بروم.  
کجا بروم وقتی جز تو پناهی ندارم!<sup>۵۷</sup>  
اگر در جهنّم مرا جای دهی در آن جا پرده از راز درون خود برمی‌دارم و  
به همه می‌گوییم که تو را دوست دارم.<sup>۵۸</sup>

۴۲

## خدای من !

یک آرزو به دل دارم که عمری است آن را از تو می خواهم؛  
هر روز و هر شب آن را از تو طلب می کنم؛  
مرا به آرزویی که عمرم را به پای آن گذاشته ام برسان که آن آرزو همان  
رضایت و بخشش تو است.<sup>۵۹</sup>

به من نعمت های زیادی داده ای که من نمی توانم آنها را بشمارم.  
اکنون از تو می خواهم تا لطف خود را بمن کامل کنی و بخشش خودت  
را به من کرم کنی تا نعمت تو بر من تمام و کمال باشد.<sup>۶۰</sup>

۴۳

## خدای من !

اگر می بینی با این همه گناه و معصیت، به عفو تو امید دارم برای این است که بزرگواری تو را به چشم خود دیده ام.

وقتی با خودم خلوت می کنم با خود می گویم که تو مرا می بخشی و به خود مژده عفو تو را می دهم، پس به بزرگواریت امیدم را ناامید مکن!<sup>۶۱</sup> من گدای در خانه توام و جای دیگر نمی روم.

خوب می دانم که تا به حال کسی را از در خانه خود ناامید نکرده ای! تو بودی که مرا با خودت آشنا ساختی و اجازه ام دادی تا با تو سخن بگویم.

اگر تو مرا با عفو و بخشش خود آشنا نمی کردی، من هم امیدوار نمی شدم، اکنون که خود، امیدوارم کرده ای، آیا دلم را می شکنی؟<sup>۶۲</sup>

۴۴

## خدای من !

با این همه مهربانی‌ها که از تو سراغ دارم اگر از تو طلب عفو نکنم، خطا  
کرده‌ام، چرا که تو بخشنده و مهربانی و گناهان بندگان خود را می‌بخشی!  
تو از من بی‌نیازی و به من این همه مهربانی می‌کنی و من این قدر به تو  
نیازمندم و نافرمانیت می‌کنم!

از تو می‌خواهم، آرامش قلبم را در گرو یاد خودت قرار دهی و مرا یاری  
کنی تا از گناه فاصله بگیر.

از تو می‌خواهم، تمام وجودم را متوجه خود بنمایی و در وجود من  
اشتیاق به کارهای زیبا را قرار دهی و همچون بندگان خوبت، همواره از  
من راضی و خشنود باشی!<sup>۶۳</sup>

٤٥

## خدای من !

هرگز بندۀ خدایی غیر از تو نبوده‌ام، که اکنون به در خانه او بروم!  
کدامین مولا به غیر تو به من مهربانی کرده است که اکنون از او بخواهم  
بار دیگر مهربانی کند؟  
من جز تو مولا و آقایی ندارم!  
من خدایی جز تو نمی‌شناسم!  
اگر تو جواب مرا ندهی من چه کنم؟ کجا بروم?  
با هزاران امید به در خانه تو رو کرده‌ام!  
می‌دانم که هرگز امید کسی را که جز تو کسی را ندارد، نامید نمی‌کنی؟<sup>۶۴</sup>

## ۴۶

### خدای من!

وقتی که تو را دارم، همه چیز دارم ولی بدون تو هیچ ندارم!<sup>۶۵</sup>

ممنون توام که با یاد خودت آرامش را به من عطا کردی!

به راستی که زندگی برای کسی که مونسی چون تو نداشته باشد، چقدر سخت می‌گذرد!

تو هستی که در مسیر زندگی راهنمای من هستی، دستم می‌گیری و به سوی خود هدایتم می‌کنی.<sup>۶۶</sup>

به اعمال خود نگاه کردم و آن را بسیار ناچیز دیدم؛  
به خودم نظر کردم، دیدم که ضعیفتر از آنم که بتوانم شکر یکی از هزاران نعمت تو را بجای آورم.

به ناچیزی اعمال نگاه مکن، بزرگی مقام خود را ببین.<sup>۶۷</sup>

۴۷

## خدای من !

تاکنون کدامین امیدوار را نامید کرده‌ای که من نامید شوم؟  
کدامین گدای در خانه‌ات را بی‌جواب گذاشته‌ای که من از تو دل برکنم؟  
تو خود مرا به دعا کردن، دعوت کرده‌ای و وعده‌ام داده‌ای که صدایم را  
بشنوی و دعایم را اجابت کنی!<sup>۶۸</sup>  
اگر مرا به خودم واگذاری هلاک می‌شوم.  
و شیطان و هوای نفس بیچاره‌ام می‌کنند.  
اگر مرا به در خانه غیر خود بفرستی، باعث خواری من شده‌ای، چرا که  
 فقط گدایی در خانه تو است که عزّت می‌آورد و افتخار!<sup>۶۹</sup>

۴۸

## خدای من !

موقعی که غصّه ندارم و ایام به کامم است، تو را فراموش می‌کنم و هرگاه  
که برايم مشکل پیش آمد و همه نامیدم کردند به سوی تو می‌آیم.  
اما از تو می‌خواهم که کاری کنی همیشه و در همه حال با تو باشم.  
در روزهای خوشی ام نیز همنشین یاد تو باشم.<sup>۷۰</sup>  
خودم خوب می‌دانم که شایسته نیستم، حتی صدایم را بشنوی چه رسد  
که جوابم را بدھی.  
اما تو در قرآن فرمودی که مرا بخوانید و وعده فرمودی که جواب  
می‌دهی.  
اکنون تو را می‌خوانم و صدایت می‌زنم، پس تو هم به وعدهات وفاکن.<sup>۷۱</sup>

۴۹

## خدای من !

وقتی به خودم نظر می‌کنم، شرمنده می‌شوم چون نافرمانی تو کرده‌ام اماً چون به تو فکر می‌کنم، شاد می‌شوم، چرا که از تو جز زیبایی و مهربانی ندیده‌ام.

دیدی که من نافرمانیت می‌کنم اماً باز هم به من مهربانی‌ها کردی و همواره روزی و نعمت خود را بر من ارزانی داشتی.

من تو را فراموش کرده بودم اماً تو همچنان به من لطف داشتی.

گناهم را پرده‌پوشی کردی و مردم را از بدیم آگاه نکردی.

به خودت قسم که تو بهترین مولا هستی و من بدترین بنده!<sup>۷۲</sup>

۵۰

## خدای من !

ای کسی که از همه به من مهربان تری !

ای کسی که در تنها ی هایم به تو پناه می آورم<sup>۷۳</sup>

اگر قرار باشد که تو فقط جواب بندگان خوبت را بدھی پس گنه کاران

چه کنند؟ به در خانه چه کسی بروند؟ مگر آنها خدایی جز تو دارند؟

مگر تو خودت دستور ندادی که ما به یکدیگر مهربانی کنیم پس چه

کسی در مهربانی کردن شایسته تر است؟<sup>۷۴</sup>

به من نگاه کن و رویت را از من بر مگردان

که تو خود می دانی که من به مهربانی تو نیاز مندم!<sup>۷۵</sup>

# ۵۱

## خدای من !

در فکر آن بودم که چه چیزی را در درگاه تو واسطه و شفیع خود قرار  
دهم تا تو قبولم کنی.

ناگهان به یاد آن افتادم که عشق تو به سینه دارم پس همان را واسطه بین  
خود و تو قرار دادم.<sup>۷۶</sup>

بزرگی تو بیش از این است که بخواهی مرا عذاب کنی.<sup>۷۷</sup>

ای کسی که گناهان را می بخشی و توبه بندگان را قبول می کنی!  
کجاست آن مهریانی های زیاد تو؟<sup>۷۸</sup>

ای روشنی چشم من!

می دانم هر کس که تو را دوست بدارد، دوستش می داری.<sup>۷۹</sup>

۵۲

## خدای من !

من آن کسی هستم که گناهان بزرگی انجام داد؛  
من از تو حیا نکردم؛  
شیطان فریبم داد و من نافرمانی تو را نمودم؛<sup>۸۰</sup>  
اکنون سخت شرمنده تو هستم و تو آن کسی هستی که همواره به من  
خوبی کردی و گناهم را بخشیدی.  
آرزوهای مرا برآورده ساختی و دعایم را مستجاب کردی؛  
نعمت‌های فراوان به من دادی و مرا پیش دیگران عزیز کردی و بلاها را  
از من دور ساختی و همواره یاورم بودی.<sup>۸۱</sup>

۵۳

## خدای من !

بر قلبم الهام شده است که تو خیلی آقا و بزرگواری!  
دیگر فهمیده ام که رحمت تو بسیار زیاد است.  
برای همین هرگز از درِ خانه تو نمی‌روم!  
آن قدر درِ خانه تو را می‌زنم؛  
آن قدر صدایت می‌کنم تا دلت به رحم آید، چرا که جای دیگری را  
نمی‌شناسم که به آن جا پناه ببرم!  
فقط و فقط در این خانه را می‌شناسم.  
فهمیده ام که هیچ کس از درِ این خانه ناامید بر نگشته است.  
به مهربانی تو دل بسته‌ام و منتظر می‌مانم تا نگاهم کنی!<sup>۸۲</sup>

۵۴

## خدای من !

با یاد تو، این دل من زنده است و با سخن گفتن با تو می توانم ترس و  
وحشت را از خود دور کنم.

ای مولای من! ای امید من! و ای نهایت آرزوی من!  
می دانم که تو مهریان بودن را بر خود لازم کرده ای، پس به آن مهریانیت،  
تو را قسم می دهم، گناهم را ببخش و توبه ام را پذیر.  
کاری کن که هرگز تو را از یاد نبرم!  
قلب مرا خلوتگاه محبت خود ساز و وجود مرا با یاد خود بار دیگر زنده  
کن.  
ای بهار دل من!<sup>۸۳</sup>

۵۵

## خدای من !

چقدر توبه کردم و دوباره گناه کردم!

اکنون از آن توبه‌های خود توبه می‌کنم.<sup>۸۴</sup>

اگر تو نگاهم نکنی، من کجا بروم؟

اگر تو رحمم نکنی، چه کسی را دارم که به من رحم کند؟

اگر تو مرا نامیدم کنی به چه کسی دل خوش کنم؟

با آن که گناهانم زیاد است اما فقط به عفو تو اندیشه دارم.

می‌دانم، خواهان چیزی هستم که لیاقت آن را ندارم و این را هم می‌دانم

که تو اهل بخشش و مهربانی هستی!<sup>۸۵</sup>

## ٥٦

# خدای من !

آرزویی دارم که فقط تو می توانی آن را برآورده کنی.  
حاجتی دارم که فقط تو می توانی آن را به من بدهی!<sup>٨٦</sup>  
به عزت قسم اگر مرا از در خانهات برانی، جای دیگری نمی روم.  
چگونه باور کنم که تو امیدم را نامید می کنی!  
من به تو امید زیادی دارم!  
آری، نافرمانی تو کردم و اکنون امید دارم که مرا ببخشی!  
چرا که من تو را به بزرگواری و آقایی می شناسم.<sup>٨٧</sup>

۵۷

## خدای من !

از وقتی که تو را شناختم، تو را به مهربانی و زیبایی شناختم.  
آری، تو به بخشیدنِ من عادت کرده‌ای.

پس بار دیگر بزرگواری کن و گناهم را ببخش!<sup>۸۸</sup>

تو چقدر با نعمت‌هایت با من مهربانی می‌کنی با این که از من بی‌نیازی!  
و من چقدر نافرمانی تو را می‌کنم، حال آن که سخت به تو محتاجم!<sup>۸۹</sup>  
تا به حال کدامیں امیدوار را نامید کرده‌ای تا من نامید شوم؟  
کدام گدا از درِ خانه‌ات، دست خالی برگشته است که من نفر دوم باشم?  
تو وعده کرده‌ای که دعای دعاکننده را مستجاب کنی و باور دارم به  
وعدهات وفا می‌کنی!<sup>۹۰</sup>

۵۸

## خدای من !

به چه کسی پناه ببرم اگر تو پناهم ندهی؟  
به دنبال عفو چه کسی بروم اگر تو مرا نبخشی؟  
به که دل بیندم اگر تو دلم را بشکنی؟  
به که امیدوار گردم اگر تو نامیدم کنی؟<sup>۹۱</sup>  
از همه جا نامید شده و به درگاه تو رو کرده‌ام.  
از تو می‌خواهم تو دیگر نامیدم نکنی.<sup>۹۲</sup>  
توبه‌ای روزیم کن که پس از آن شایسته دوستی تو گردم و در زمره  
بندگان خوب تو قرار گیرم.<sup>۹۳</sup>

۵۹

## خدای من !

از دانشی که برايم فايده نداشته باشد و از دعایي که مستجاب نشود به تو  
پناه میبرم!<sup>۹۴</sup>

من از شرّ نفس خویش به تو پناه میبرم!  
بار خدایا! مرا لحظه‌ای و کمتر از لحظه‌ای به خود وامگذار.  
چرا که اگر لطف تو یک لحظه از من فاصله گیرد دیگر روی سعادت را  
نخواهم دید.

ای کسی که من همواره در سایه لطف تو بوده‌ام!  
باز هم، لطف و مهربانی خویش را از من دریغ مدار که من به مهربانی تو  
نیازمندم.<sup>۹۵</sup>

## ٦٠ خدای من !

با تمام وجود به تو روی آورده‌ام و از مردمی که نیازمند عطای تو هستند  
روی گردانده‌ام، چرا که هر کس از غیر تو طلب کرد، ناامید شد.  
اکنون به سوی تو آمده‌ام و به عطای تو دل بسته‌ام.<sup>۹۶</sup>

چگونه می‌شود کسی را که فقط امیدش به تو است، ناامید کنی !  
ای کسی که هنوز من تو را نمی‌شناختم و تو با من مهربانی‌ها نمودی !  
یادم نمی‌رود که چه بسیار وقت‌ها من دعا نکرده بودم که تو حاجتم را  
دادی !

اکنون که تو را می‌خوانم، چگونه می‌شود دعایم را بی‌پاسخ گذاری !<sup>۹۷</sup>

۶۱

## خدای من !

این جایگاه کسی است که شیطان او را فریب داده است و گنهکار است.  
اکنون با دلی امیدوار و رویی شرمسار به سوی تو آمدہام و در مقابل  
عظمت تو ایستادهام.

چشم خود به زمین دوخته ام، چرا که شرمسار توام.  
تو خدایی هستی که بخشش گناهان در نظرت بزرگ نمی نماید.  
پس ببخش گناه کسی را که گناهش به تو ضرر نمی زند!  
که تو بخشنده و مهربانی!<sup>۹۸</sup>

## ٦٣

### خدای من !

تو را می خوانم، چرا که خود مرا به دعا کردن فرا خواندی.  
تو خود در قرآن فرمودی که توبه توبه کنندگان را می پذیری!  
می دانم که تو توبه کنندگان را دوست داری و آنان را به سوی خود  
دعوت کردی، پس توبه ام را قبول کن و از گناهانم درگذرا!  
مرا دوست داشته باش که من محتاج مهریانی توام!  
این توبه مرا به گونه ای قرار ده که دیگر بعد از آن توبه نکنم؛  
توبه ای که بعد از آن دیگر هرگز گرد گناه نگردم!<sup>۹۹</sup>

## ۶۳

### خدای من !

اگر پشیمانی به درگاه تو، توبه حساب می شود، من از همه پشیمان ترم؛  
اگر استغفار باعث می شود تا از گناهانم درگذری من همواره استغفار  
می کنم؛

اگر دل شکسته به درگاهت خریدار دارد، بین که اشک چگونه قلبم را  
شکسته است!

تو مرا به توبه کردن، امر کردی و قول دادی که توبه مرا قبول کنی؛  
پس توبه مرا قبول کن و هرگز از رحمت نامیدم مکن  
که تو بخشنده و مهربانی!  
۱۰۰

## ۶۴

### خدای من !

تو بودی که دری به سوی بخشش خود باز کردی و آن را در توبه نام  
نهادی و همگان رابه سوی آن دعوت کردی تا رحمت خویش بر آنان  
نازل کنی !

تو خود فرمودی که مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم !  
ای کسی که بندگان خود را غرق عطا و بخشش خویش نموده ای !  
پس تو را می خوانم و از تو هیچ نمی خواهم جز این که مرا یاد کنی !  
چرا که یاد تو از من بالاتر است .<sup>۱۰۱</sup>

۶۵

## خدای من !

می دانم که در رحمت تو بر روی همه باز است؟  
به راستی که چقدر زود به فریاد بیچارگان می‌رسی و از آنان دستگیری  
می‌کنی.

همیشه عادت تو بر این بوده است که بر گنهکاران نیکویی کنی و با  
مهربانی با آنان برخورد کنی.<sup>۱۰۲</sup>  
اینک منم که به درگاه تو رو کرده‌ام و از تو انتظار مهربانی دارم پس  
صدایم را بشنو و دعایم را مستجاب کن  
و دست رد به سینه‌ام مزن!<sup>۱۰۳</sup>

# ٦٤

## خدای من !

نگاهم کن که چگونه به درگاه تو آمده‌ام، در حالی که خوار و ذلیل و  
بیچاره‌ام.

من به عفو تو پناه آورده‌ام و به رحمت تو دل بسته‌ام.  
می‌دانم که غیر از تو کسی مرا از شرّ گناهانم امان نمی‌دهد.  
ای کسی که از لغزش بندگان خویش می‌گذری!  
ای کسی که صدای همه بندگان خویش را می‌شنوی!  
ای کسی که از حال زار من خبر داری!  
مرا از در خانه خویش ناامید برمگردان!<sup>۱۰۴</sup>

۸۷

## خدای من !

از تو می خواهم که راز و نیاز با خودت را در در نظرم زیبا جلوه دهی تا  
شب و روز با تو خلوت کنم و با تو سخن بگویم.<sup>۱۰۵</sup>  
کاری کن که اطاعت و بندگیت برایم لذت بخش باشد.  
قلب مرا از همه ناپاکی ها پاک ساز.  
رحمت بزرگ خویش را بر من نازل کن تا با آن بتوانم به خیر دنیا و  
آخرت برسم.

نور ایمان را در قلبم ثابت قرار ده.  
عاقبت امرِ مرا ختم به خیر بفرما!<sup>۱۰۶</sup>

۶۸

## خدای من !

چقدر نعمت‌های فراوان به من ارزانی داشتی؛  
چقدر بلاهای جانکاه را از من دور نمودی؛  
تو بودی که در لحظات سخت به یاریم شتافتی و دعایم را مستجاب  
نمودی.

اگر یاری تو نبود، من بیچاره شده بودم.  
چگونه شکر تو کنم که هر گاه تو را خواندم تو را آماده شنیدنِ دعای  
خویش یافتم!  
ای پناه من! ای امید من!<sup>۱۰۷</sup>

۶۹

## خدای من !

همیشه با نعمت‌های فراوان تو همراه بوده‌ام.  
تو چقدر گناهان مرا با حلم خویش پوشاندی!  
و چقدر بلاها را از من دور ساختی!  
برای همین است که از تو فقط انتظار بزرگی و آقایی دارم!  
من از گناهانم استغفار می‌کنم، در حالی که از کرده خویش پشیمان  
هستم.

ای کسی که نام تو بخشنده و مهربان است!  
توبه‌ام قبول کن و صدایم را بشنو و ناامیدم مکن!  
ای کسی که توبه‌کنندگان را دوست داری!<sup>۱۰۸</sup>

٧٠

## خدای من !

اگر گناهانم دیگر آبرویی برای من نگذاشته‌اند؛  
اگر خطاهایم نمی‌گذارند تا صدایم به تو برسد؛  
پس تو را به حق آن کس که او را بیش از همه کس دوست داری، قسم  
می‌دهم؛

تو را به حق فرستاده خودت محمد مصطفی و اهل بیت علیهم السلام او می‌خوانم  
تا توبه‌ام را قبول کنی که من می‌دانم هیچ کس را به اندازه آنها دوست  
نداری.

پس به حق آن عزیزانت تو را قسم می‌دهم تا گناهم را ببخشی و مرا  
۱۰۹ قبول نمایی.

١. إلهي، وسیدي، ارحمني مصروعاً على الفراش تقليبي أيدي أحبتني، وارحمني مطروحاً على المغتسل،  
يغسلني صالح جبرتي، وارحمني محمولاً قد تناول الأقزاء أطراف جنازتي، وارحم في ذلك البيت المظلم  
وحشتي وغريتي ووحدتي: الدعوات للراوندي ص ١٧٩، مفتاح الفلاح ص ٢٥٨، الأمالي للصدوق ٢٨٩،  
روضة الاعظين ص ١٩٨، بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٠.
٢. إلهي، ما تضيرنا فرقة الإخوان والقربات إن قربتنا منك يا ذا العطيات...: المصباح ص ٣٧٣ بحار الأنوار  
ص ٩١، دستور معالم الحكم ص ١٦٣.
٣. إلهي، وعزتك وجلالك وعظمتك، لو أتني منذ بدعت فطerti من أول الدهر عبدتك دوام خلود روبيتك بكل  
شعرة في كل طرفة عين سرمد الأبد بحمد الخالق وشكرهم أجمعين، لكنك مقصرأ في بلوغ أداء شكر أخفى  
نعمه من نعمتك علي...: مفتاح الفلاح ص ٢٤٥، الصحيفة السجادية ص ٥٣٥، الأمالي للصدوق ص ٣٧٥،  
بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٠.
٤. فأشكر عبادك عاجز عن شكرك...: الصحيفة السجادية ص ٢٧، المصباح ص ٤١٣.
٥. وعصيتك على غير مكابرة ولا معاندة ولا استخفاف متى بربوبتك، ولا جحود لحقك، ولكن استزلني  
الشيطان بعد الحجّة والبيان، فإن تعذبني فبذنبي، وإن تغفر لي في وجودك ورحمتك، يا أرحم الراحمين:  
الصحيفة السجادية ص ٤٩٧، الأمالي للطوسى ص ٤١٥، بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩١.
٦. إلهي، إن كنت عصيتك بارتكاب شيء مما نهيتني عنه، فإني قد أطعتك في أحـبـ الأشيـاءـ إـلـيـكـ الإـيمـانـ بكـ،ـ مـنـكـ بهـ عـلـيـ،ـ لـاـ مـنـأـيـ بـهـ عـلـيـكـ،ـ وـتـرـكـ عـصـيـتكـ فـيـ أـبـعـضـ الـأـشـيـاءـ إـلـيـكـ أـنـ أـجـعـلـ لكـ شـرـيكـأـوـ أـجـعـلـ لكـ  
ولـدـأـوـ نـدـأـ،ـ وـعـصـيـتكـ عـلـيـ غـيرـ مـكـابـرـةـ وـلـاـ مـعـانـدـةـ وـلـاـ استـخـفـافـ مـتـىـ...ـ:ـ الصـحـيفـةـ السـجـادـيـةـ صـ ٤٩٧ـ،ـ الأمـالـيـ  
صـ ٤١٥ـ،ـ بـحـارـ الـأـنـوـارـ جـ ٩١ـ صـ ٩١ـ؛ـ اللـهـمـ إـنـ كـنـتـ قـدـ عـصـيـتكـ فـإـيـ قـدـ أـطـعـتـكـ فـيـ أحـبـ الـأـشـيـاءـ إـلـيـكـ وـهـوـ  
الـإـيمـانـ بـكـ...ـ كـتـابـ مـنـ لـاـ يـحـضـرـهـ الـفـقـيـهـ جـ ١ـ صـ ٣٣٣ـ،ـ مـكـارـمـ الـأـخـلـاقـ صـ ٢٧٨ـ،ـ إـقـبـالـ الـأـعـمـالـ جـ ١ـ صـ ١ـ،ـ جـامـعـ أحـادـيـثـ الشـيـعـةـ جـ ٤ـ صـ ٥٣٤ـ،ـ الغـارـاتـ جـ ٢ـ صـ ٨٤٩ـ،ـ الأمـالـيـ للـطـوـسـيـ صـ ٤١٥ـ.
٧. إلهي، كيف أدعوك وقد عصيتك، وكيف لا أدعوك وقد عرفت حبك في قلبـيـ،ـ وـإـنـ كـنـتـ عـاصـبـاـ مـدـدـتـ إـلـيـكـ يـدـاـ  
بالـذـنـوبـ مـمـلـوءـةـ،ـ وـعـيـنـايـ بـالـرـجـاءـ مـمـدـودـةـ،ـ مـوـلـايـ أـنـتـ عـظـيمـ الـعـظـمـاءـ،ـ وـأـنـاـ أـسـيـرـ بـذـنـبـ  
مـرـتـهـنـ بـجـرمـيـ،ـ إـلـهـيـ،ـ لـنـ طـالـبـتـيـ بـذـنـبـيـ لـأـطـالـبـتـكـ بـكـرـمـكـ وـلـنـ طـالـبـتـيـ بـجـرـيرـتـيـ لـأـطـالـبـتـكـ بـغـفـوكـ...ـ مـفـتـاحـ  
الـفـلاحـ صـ ٢٤١ـ،ـ الصـحـيفـةـ السـجـادـيـةـ صـ ٤٨٥ـ،ـ الأمـالـيـ للـصـدـوقـ ٤٣٨ـ،ـ بـحـارـ الـأـنـوـارـ جـ ٩١ـ صـ ٤٣ـ.

٨. سیدی، لو أَنْ عذابي ممَّا يزيد في ملكك لسألتك الصبر عليه، غير أَنِّي أعلم أَنَّه لا يزيد في ملكك طاعة المطيعين، ولا ينقص منه معصية العاصين: مفتاح الفلاح ص ٢٥٨، الصحيفة السجادية ص ٢٠١، الأُمالي للصدق ص ٢٨٨، روضة الوعاظين ص ١٩٦، فضل الكوفة ومساجدها ص ٥٨، المزار لابن المشهدی ص ١٤٧، المزار للشهید الأول ص ٢٦٧، بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٠.
٩. إلهي، وسيدي وعزتك وجلالك، لمن طلبني بذنبي لأطالبك بعفوك، وشنطالي بيومي لأطالبتك بكلمك...: مصباح المتهجد ص ٥٩٦، الاختصاص ص ٤١، المصباح ص ٦٠٠، أعيان الشيعة ج ١ ص ٦٤٩.
١٠. إلهي، كفى بي عزًا أن أكون لك عبداً، وكفى بي فخرًا أن تكون لي ربًا، أنت كما أحب فاجعلني كما تحب...: الخصال ص ٤٢٠، مستند الرضا ص ٨٤، كنز الفوائد ص ١٨١، بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٢.
١١. اللهم إن كانت الذنوب تکف أیدينا عن انبساطها إليك بالسؤال، والمداومة على المعاصي تمنعنا عن التضرع والابتهاج، فالرجاء يحثنا إلى سؤالك، يا ذا الجلال، فإن لم يعطف السيد على عبده، فممّن يتغى النوال، فلا ترد أکفنا المتضرعة إلا بلوغ الأمال...: مفتاح الفلاح ص ٢٥٩، بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٣.
١٢. يا رب الأرباب أنت أنت الذي انقطع الرجاء إلا منك: الكافي ج ٣ ص ٣٢٨، بحار الأنوار ج ٨٢ ص ٢٢٢، اللهم أنت أنت انقطع الرجاء إلا منك، وخابت آمال إلا فيك: وسائل الشيعة ج ٥ ص ٢٥٤، مستدرك الوسائل ج ٨ ص ١٢٨، جمال الأسبوع ص ١١٩، فلاح السائل ص ٢٥٦.
١٣. فما معلم مؤمنيه الأمل فيذهب عنهم كآبة الرجل...: بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٤.
١٤. إلهي، كأني بنفسي قد أضجعت في حيرتها، وانصرف عنها المشيئون من جيرتها، وبكى الغريب عليها لغريتها، وجاد عليها المشفقون من جيرتها، وناداها من شفير القمر ذو موتها، ورحمها المعادي لها في الحياة عند صرعتها، ولم يخف على الناظرين ضر فاقتها، ولا على من رأها قد توسدت الشري وعجز حيلتها، فقلت: ملائكي، فريد نأى عنه الأقريبون، ويعيد جفاه الأهلون، نزل بي قريباً، وأصبح في اللحد غريباً، وقد كان لي في دار الدنيا داعيًّا، ولنظري له في هذا اليوم راجياً، فتحسن عند ذلك ضيافتي، وتكون أشدق على من أهلي وقراتي: الدعوات ص ١٨٠، الصحيفة السجادية ص ٤٥٨، المصباح ص ٣٧٦، بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٣.
١٥. واسمع ندائی إذا ناديتک، واسمع دعائی إذا دعوتک، وأقبل على إذا ناجیتك، فقد هربت إليک، ووقفت بين يديک، مستكيناً لك متضرعاً إليک، راجياً لما لديك، تراني وتعلم ما في نفسی، وتبخر حاجتی وتعرف ضمیری، ولا يخفی عليك أمر منقلي وموای، وما أرید أن أبدئ به من منطقی، وأنفوه به من طلبتي، وأرجوه لعاقبة أمري...: بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٧.
١٦. إلهي، إن كان قد دنا أجلی ولم يقربني منك عملي، فقد جعلت الاعتراف إليک بذنبي وسائل علی...: مصباح المتهجد ص ٥٩٣، إقبال الأعمال ج ١ ص ١٦٩، المصباح ص ٣٧٤، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٠٥.
١٧. إلهي، لم يزل برك على أيام حياتي، فلا تقطع برك عنّي في مماتي، وأنت لم تكوني إلا الجميل في حياتي: إلهي، تول من أمري ما أنت أهله، وعد بفضلك على مذنب قد غمره جهله. إلهي قد سرت على ذنوبنا في الدنيا وأنا أحوج إلى سترها على منك في الآخرة. إلهي، قد أحسنت إلى إذ لم تظهرها لأحد من عبادك الصالحين، فلا

تفصحي يوم القيمة على رؤوس الأشهاد... إلهي، لو أردت هوانى لم تهدنى، ولو أردت فضيحتى لم تعافى.  
إلهي، ما أظنك ترددى في حاجة قد أفنت عمرى في طلبها منك...: إقبال الأعمال ج ٣ ص ٢٩٦، المصبح  
ص ٣٧٤، بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٧.

١٨ . إلهي، لم يكن لي حول فأنتقل به عن معصيتك إلا في وقت أيقظتني لمحبتك، فكما أردت أن تكون كنت،  
فشكرتك بإدخالي في كرمك، ولتطهير قلبي من أوساخ الغفلة عنك...: إقبال الأعمال ج ٣ ص ٢٩٨، بحار  
الأنوار ج ٩١ ص ٩٨، مستدرک سفينة البحار ج ٨ ص ٤٣١.

١٩ . الإمام الصادق: القلب حرم الله، لا تسكن حرم الله غير الله: بحار الأنوار ج ٦٧ ص ٢٥.

٢٠ . إلهي، هب لي قلباً يدنى شوق... إلهي، أقمى في أهل ولايتك مقام من رجا الزيادة من محبتك. إلهي،  
وألهمني ولهاً بذكرك إلى ذكرك...: إقبال الأعمال ج ٣ ص ٢٩٨، بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٨.

٢١ . ارحمني إذا انقطع معلوم عمري، ودرس ذكري وامتحن أثري... منسياً كمن تُسي في الأموات متن كان  
قبلـي...: الصحيفة السجادية ص ٤٤٨، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٦١.

٢٢ . إلهي، أصبحت على بـاـب من باب منحك سائلاً وعن التعرض لسوـاـك بالمسـأـلة عـادـلاً، وليس من جميل  
امتنانك رد سـائـل مـلـهـوفـ ومـضـطـرـ لـانتـظـارـ خـيرـكـ المـأـلـوـفـ...: جـمـالـ الـأـسـبـوـعـ ص ٦٣، المـزارـ لـابـنـ المشـهـدـيـ  
ص ١٥١، بـحـارـ الـأـنـوـارـ ص ١٧٢.

٢٣ . إلهي، قلب حشوته من محبتك في دار الدنيا، كيف تطلع عليه نار محرقة في لطـى...: المـزارـ لـابـنـ المشـهـدـيـ  
ص ١٥٢، بـحـارـ الـأـنـوـارـ ص ٩٧ ص ٤٥١.

٢٤ . إلهي، إن أ Gundـنـيـ الذـنـوبـ عـنـ السـبـقـ معـ الـأـبـرـارـ فقدـ أـقـمـتـنـيـ الثـقـةـ بـكـ عـلـىـ مـارـاجـ الـأـخـيـارـ...: بـحـارـ الـأـنـوـارـ ج ٩١  
ص ١١١.

٢٥ . إلهي، ارحمـناـ غـرـيـاءـ إـذـ تـضـمـنـتـنـاـ بـطـونـ لـحـودـنـاـ، وـعـمـيـتـ بـالـلـبـنـ سـقـوفـ بـيـوتـنـاـ، وـأـضـجـعـنـاـ مـساـكـينـ عـلـىـ الإـيمـانـ  
فيـ قـبـورـنـاـ، وـخـلـفـنـاـ فـرـادـيـ فـيـ أـضـيـقـ المـضـاجـعـ، وـصـرـعـتـنـاـ عـلـىـ الـمـنـايـاـ فـيـ أـعـجـبـ المـصـارـعـ، وـصـرـنـاـ فـيـ دـارـ قـومـ كـانـهـاـ  
مـأـهـولـهـ وـهـيـ مـنـهـمـ بـلـاقـعـ. إـلهـيـ، إـذـ جـنـتـكـ عـرـأـ حـفـأـ مـغـبـرـةـ مـنـ ثـرـيـ الـأـجـادـاثـ رـؤـوسـنـاـ، وـشـاحـنـةـ مـنـ تـرـابـ  
الـمـلـاحـيدـ وـجـوهـنـاـ، وـخـاشـعـةـ مـنـ أـفـزـعـ الـقـيـامـةـ أـبـصـارـنـاـ، وـذـالـلـةـ مـنـ شـدـدـ الـعـطـشـ شـفـاهـنـاـ، وـجـائـعـةـ لـطـولـ المـقـامـ  
بـطـونـنـاـ، وـبـادـيـةـ هـنـالـكـ لـلـعـيـونـ سـوـآـتـاـ، وـمـوـقـرـةـ مـنـ ثـقـلـ الـأـوـزـارـ ظـهـورـنـاـ، وـمـشـغـولـينـ بـمـاـ قـدـ دـهـانـاـ عـنـ أـهـالـيـنـاـ  
وـأـوـلـادـنـاـ، فـلـاـ ضـعـفـ الـمـاصـابـ عـلـىـنـاـ بـأـعـرـاضـ وـجـهـكـ الـكـرـيمـ عـنـاـ، وـسـلـبـ عـائـدـةـ مـاـ مـثـلـ الرـجـاءـ مـنـاـ...: بـحـارـ  
الـأـنـوـارـ ج ٩١ ص ١٠٣.

٢٦ . إـلهـيـ، إـذـ شـهـدـ لـيـ الإـيمـانـ بـتـوحـيدـكـ، وـانـطـلـقـ لـسـانـيـ بـتـمـجـيدـكـ، وـدـلـيـ التـرـآنـ عـلـىـ فـوـاضـ جـوـدـكـ، فـكـيفـ لـاـ  
يـتـهـجـ رـجـائـيـ بـحـسـنـ مـوـعـدـكـ. إـلهـيـ، تـابـعـ إـحـسـانـكـ إـلـيـ يـدـلـيـ عـلـىـ حـسـنـ نـظـرـكـ لـيـ، فـكـيفـ يـشـقـيـ اـمـرـهـ حـسـنـ  
لـهـ مـنـكـ النـظـرـ...: المـصـبـاحـ ص ٣٧٥، بـحـارـ الـأـنـوـارـ ج ٩١ ص ١٠٦، العـدـ الـقـوـيـةـ ص ٢٥.

٢٧ . إـلهـيـ، لـوـ طـبـقـتـ ذـنـوبـيـ مـاـ بـيـنـ السـمـاءـ إـلـىـ الـأـرـضـ، وـخـرـقـتـ النـجـومـ، وـبـلـغـتـ أـسـفـلـ الشـرـىـ، مـاـ رـدـنـيـ الـيـأسـ عـنـ  
تـوـقـعـ غـرـانـكـ، وـلـاـ صـرـفـيـ القـنـوـطـ عنـ اـنـتـظـارـ رـضـوـانـكـ. إـلهـيـ، دـعـوـتـكـ بـالـدـعـاءـ الـذـيـ عـلـمـنـيـهـ، فـلـاـ تـحـرـمـنـيـ  
جزـاءـكـ الـذـيـ وـعـدـنـيـ، فـمـنـ النـعـمـةـ أـنـ هـدـيـتـنـيـ لـحـسـنـ دـعـائـكـ، وـمـنـ تـمـامـهـاـ أـنـ تـوـجـبـ لـيـ مـحـمـودـ جـزـائـكـ.

إلهي، وعزّتك وجلالك، لقد أحببتك محبة استقررت حلاوتها في قلبي، وما تعتقد ضمائر موخديك على أنك تبغض محبيك، إلهي، أنتظرك عفوك كما يتنتظره المذنبون، ولست أياً من رحمتك التي يتوّقعها المحسنون...:  
المصباح ص ٣٧٧، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٠٨.

٢٨. أنت الذي بفنائك حُطّت الرحال، واليّك قُصدت الآمال... إلهي، بك لاذت القلوب؛ لأنك غاية كلّ محبوب، وبك استجارت فرقاً من العيوب، وأنت الذي علمت فحلمت، ونظرت فرحمت، وخبرت وسترت، وغضبت فغفرت، فهل مؤمّل غيرك فيرجي، أم هل رب سواك فيخشى، أم هل معبود سواك فيدعى، أم هل قدم عند الشدائـد إلا وهي إليك تسعى، فوعزّ عزّك يا سرور الأرواح، ويا منتهي غاية الأفراح، إني لا أملك غير ذلّي ومسكتي لديك، وفقري وصدق توكلـي عليكـ، فأنا الهاـرب منكـ إـليـكـ، وأـنا الطـالـبـ منـكـ ماـلاـ يـخـفـيـ عـلـيـكـ، فإنـ غـفـوتـ فـبـغـضـلـكـ، وإنـ عـاقـبـتـ فـبـعـدـكـ، وإنـ مـنـتـ فـبـجـوـدـكـ، وإنـ تـجـاـوـزـتـ فـبـدـوـامـ خـلـوـدـكـ، إـلـهـيـ، بـجـالـيـكـ كـبـرـيـاتـكـ أـقـسـمـتـ، وـبـدـوـامـ خـلـوـدـ بـقـائـكـ آـلـيـتـ، إـيـنـيـ لـاـ بـرـحـتـ مـقـيمـاـ بـبـابـكـ حتـىـ تـؤـمـنـيـ مـنـ سـطـوـاتـ عـذـابـكـ، وـلـاـ أـقـعـ بـالـصـفـحـ عـنـ سـطـوـاتـ عـذـابـكـ حتـىـ أـرـوـحـ بـجـزـيلـ شـوـابـكـ...: بـحـارـ الأنـوارـ جـ ٩١ صـ ١١١.

٢٩. إـلـهـيـ، كـيـفـ أـدـعـوكـ وـقـدـ عـصـيـتـ؟ وـكـيـفـ لـاـ أـدـعـوكـ وـقـدـ عـرـفـتـ؟ حـبـكـ فـيـ قـلـبـيـ وـإـنـ كـنـتـ عـاصـيـاـ، مـدـدـتـ يـدـاـ بالـذـنـوبـ مـلـوـءـةـ، وـعـيـنـاـ بـالـرـجـاءـ مـمـدـوـدـةـ، وـدـمـعـةـ بـالـأـمـالـ مـوـصـولـةـ. إـلـهـيـ، أـنـتـ مـلـكـ الـعـطـاـيـاـ، وـأـنـاـ أـسـيرـ الـخـطـاـيـاـ، وـمـنـ كـرـمـ الـعـظـمـاءـ الـرـفـقـ بـالـأـسـرـاءـ، وـأـنـاـ أـسـيرـ جـرـمـيـ، مـرـتـهـنـ بـعـمـلـيـ. إـلـهـيـ، لـنـ طـالـبـنـيـ بـسـرـيرـيـ لـأـظـلـيـ مـنـكـ عـفـوكـ...: بـحـارـ الأنـوارـ جـ ٩١ صـ ١٢١.

٣٠. إـلـهـيـ، الـوـيـلـ لـيـ ثـمـ الـوـيـلـ لـيـ إـنـ أـنـ قـدـمـتـ عـلـيـكـ وـأـنـ سـاخـطـ عـلـيـ، فـمـنـ ذـاـ الـذـيـ يـرـضـيـ عـنـيـ؛ لـيـ لـيـ حـسـنةـ سـبـقـتـ لـيـ فـيـ طـاعـتـكـ، أـرـفـعـ بـهـاـ إـلـيـكـ رـأـسـيـ، أـوـ يـنـطـقـ بـهـاـ لـسـانـيـ، لـيـسـ لـيـ إـلـاـ الرـجـاءـ مـنـكـ، فـقـدـ سـبـقـتـ رـحـمـتـكـ غـضـبـكـ، عـفـوكـ عـفـوكـ عـفـوكـ، فـإـنـكـ قـلـتـ فـيـ كـتـابـكـ الـمـنـزـلـ عـلـىـ نـسـيـكـ الـمـرـسـلـ صـلـوـاتـكـ عـلـيـهـ وـعـلـىـ آـلـهـ وـسـلـامـكـ: (يـئـيـ عـيـادـيـ أـلـيـ أـنـاـ الـغـفـورـ الـرـاجـمـ).: الصـحـيـفـةـ السـجـادـيـةـ صـ ٤٩٠، بـحـارـ الأنـوارـ جـ ٩١ صـ ١٢٢.

٣١. لـاـ سـاحـبـيـنـ مـنـكـ وـأـنـتـ تـرـانـ، وـلـاـ رـعـيـنـاـ حـقـ حـرـمـتـكـ أـيـ رـبـ، فـبـأـيـ وـجوـهـ -عـزـ وـجـهـكـ- نـلـقـكـ، أـوـ بـأـيـ لـسـانـ نـتـاجـيـكـ وـقـدـ نـقـضـنـاـ الـعـهـودـ بـعـدـ تـوـكـيدـهـاـ، وـجـعـلـنـاـكـ عـلـيـنـاـ كـفـيـلـاـ، ثـمـ دـعـونـاـكـ عـنـ الـبـلـيـةـ وـنـحـنـ مـقـتـمـونـ فـيـ الـخـطـيـةـ، فـأـجـتـ دـعـوـتـاـ وـكـشـفـتـ كـرـيـتـاـ، وـرـحـمـتـ فـقـرـنـاـ وـفـاقـتـاـ...: الصـحـيـفـةـ السـجـادـيـةـ صـ ٤٩٦، بـحـارـ الأنـوارـ جـ ٩١ صـ ١٢٥.

٣٢. إـلـهـيـ، لـوـلـاـ أـعـفـوـ مـنـ صـفـاتـكـ، لـمـ اـعـصـاكـ أـهـلـ مـعـرـفـتـكـ. إـلـهـيـ، لـوـلـاـكـ بـالـعـفـوـ تـجـودـ لـمـاـ عـصـيـتـكـ إـلـىـ الذـنـبـ أـعـدـ... أـنـتـ الذـيـ قـلـتـ: مـنـ الذـيـ دـعـانـيـ فـلـمـ أـلـهـ، وـمـنـ الذـيـ سـأـلـنـيـ فـلـمـ أـعـطـهـ، وـمـنـ الذـيـ أـقـامـ بـيـاـيـ فـلـمـ أـجـبـهـ... وـنـعـمـ مـاـ فـعـلـتـ مـنـ الـكـرـمـ وـالـإـحـسـانـ. إـلـهـيـ، أـنـتـ أـغـرـقـنـيـ بـالـجـوـدـ وـالـكـرـمـ وـالـعـطـاـيـاـ، وـأـنـذـيـ أـغـرـقـتـ نـفـسـيـ بـالـذـنـوبـ وـالـجـهـالـةـ وـالـخـطـاـيـاـ، وـأـنـتـ مـشـهـورـ بـالـإـحـسـانـ، وـأـنـاـ مـشـهـورـ بـالـعـصـيـاـنـ...: الصـحـيـفـةـ السـجـادـيـةـ صـ ٤٧٨، بـحـارـ الأنـوارـ جـ ٩١ صـ ١٣٩.

٣٣. إـلـهـيـ، إـذـاـ تـلـوـنـاـ مـنـ صـفـاتـكـ: شـدـيـدـ الـعـقـابـ، أـسـفـنـاـ، إـذـاـ تـلـوـنـاـ مـنـهـاـ: الـغـفـورـ الـرـحـيمـ، فـرـحـنـاـ، فـنـحـنـ بـيـنـ أـمـرـيـنـ، فـلـاـ سـخـطـكـ تـؤـمـنـ، وـلـاـ رـحـمـتـكـ تـؤـيـسـنـ إـلـهـيـ، إـنـ قـصـرـتـ مـسـاعـيـنـاـ عـنـ اـسـتـحـقـاقـ نـظـرـتـكـ، فـمـاـ قـصـرـتـ رـحـمـتـكـ بـنـاـ عـنـ دـفـاعـ نـقـمـتـكـ...: المصـبـاحـ صـ ٣٧٢، بـحـارـ الأنـوارـ جـ ٩١ صـ ١٠٤.

٣٤ . فنظرت في عملی فرأيته ضعيفاً يا مولاي، وحاسبت نفسي فلم أجدنی أقوم بشكر ما أنعمت علي، وعددت سيناتي فأصبتها سترق حسنتي، فكيف أطمع أن أنا جئتكم بعملی، وأنا مرتهن بخطبتي؟ لا كيف يا مولاي إن لم تداركني منك برحمة تمم بها على في من قديسية منك لا أحصيها تختتم لي بها كرامتك، فطوبى لمن رضيت عنه، وويل لمن سخطت عليه، فارض عنّي ولا تسخط علىّ يا مولاي...: الصحيفة السجادية ج ٥٩٥، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٣٥.

٣٥ . سفمت نفسك بالعفو...: الصحيفة السجادية ص ٧٨ دعاء الاستغاثة من الذنوب.

٣٦ . رب حسنت خلقي، وعظت على في رزقي، ولم تزل تقلنني من نعمة إلى كرامة، ومن كرامة إلى فضل، تجدد لي ذلك في ليلي ونهارياً، لا أعرف غير ما أنا فيه، حتى ظنت أن ذلك واجب عليك لي، وأنه لا ينبغي لي أن أكون في غير مرتبي، لأنني لم أدر ما عظيم البلاء فأجد للدُّرخاء، ولم يدلني الفقر فأعرف فضل الأمان، فأصبحت وأمسكت في غفلةً مما فيه غيري متن هو دوني، فكفرت ولم أشك بلامك، ولم أشك أن الذي أنا فيه دائم غير ذاتي، لا أحذت نفسي بانتقال عافية وتحوبل فقر، ولا خوف ولا حزن في عاجل دنياه وأجل آخرتي، فيحول ذلك بيني وبين التضرع إليك في دوام ذلك لي، مع ما أمرتني به من شكرك وعدتني عليه من المزيد من لديك، فسهوت لهوّت، وغفلت وأمنت، وأشارت وبطرت، وتهاونت حتى جاء التغيير مكان العافية بحلول البلاء، وزلل الضّر بمنزلة الصّحة وبأ النوع السقم والأذى، وأقبل...: الدعوات ص ١٦٧، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٣٦.

٣٧ . إلهي، أسلك أن تعصمني حتى لا أعصيك، فإني قد بھت وتحيرت من كثرة الذنوب مع العصيان، ومن كثرة كرمك مع الاحسان، وقد كللت لسانك كثرة ذنبك، وأنهيت عنّي ماء وجهي، فإني وجّه ألقاك وقد أخلق الذنوب وجهي، وبأي لسانٍ أدعوك وقد أخرس المعاصي لسانك، وكيف أدعوك وأنا العاصي، وكيف لا أدعوك وأنت الكريم، وكيف أفرج وأنا العاصي، وكيف أحزن وأنت الكريم، وكيف أدعوك وأنا أنا، وكيف لا أدعوك وأنت أنت...: بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٢٨.

٣٨ . إلهي، ضاق صدري، ولست أدرى بأي علاج أداوي ذنبي، فكم أتوب منها وكم أعود إليها، وكم عليها ليلي ونهارياً، فحتى متى يكون وقد أفتني بها عمرى. إلهي، طال حزني ورق عظمي، وبلي جسمى، وبقيت الذنوب على ظهرى فليلك أشكو سيدى فقري وفاقتى، وضعفي وقلة حيلتى... فكيف ينقطع رجائى بموعدك. إلهي، أنا الذي قلت نفسي بسيف العصيان، حتى استوجبت منك القطيعة والحرمان، فالأمان الآمان، هل يتعي لي عندك وجه الإحسان...: بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٤٠.

٣٩ . إلهي، عصاك آدم فغفرته، وعصاك خلق من ذريته، فيما من عفى عن الوالد معصيته، اغف عن الوالد العصاة لك من ذريته... إلهي، جعلت لي عدواً يدخل قلبي، ويحل محل الرأي والفكرة مني، وأين الفرار إذ لم يكن منك عون عليه. إلهي، إن الشيطان فاجر خبيث، كثير المكر شديد الخصومة، قد يداوة، كيف ينجو من يكون معه في دار وهو المحتاب، إلا أنه أجد كيده ضعيفاً، فإياك نعبد وإياك نستعين، وإياك نستحفظ، ولا حول ولا قوة إلا بالله، يا كريم يا كريم...: الصحيفة السجادية ص ٢٨٢، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٤١.

٤٠ . سيدى قد ذكرت بالذكر الذي ألمتني، ووحدتك بالتوحيد الذي أكرمني، ودعوتك بالدعاء الذي علمتني،

فلا تحرمني برحمتك الجزاء الذي وعدتني، فمن النعمة لك على أن هديتي بحسن دعائك، ومن إتمامها أن توجب لي محمودة جزائك... الصحفة السجادية ص ٤٥٨، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٦٧؛ سيدى، أتيتك معترفاً لك بسوء فعلى، خاضعاً لك باستكانة ذئى، راجياً منك جميل ما عرّفتنيه من الفضل الذي عزّدتني، فلا تصرف رجائى من فضلك خاتماً: بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٦٩.

٤١ . إلهي، وكيف أدعوك وأتمّي الجنة مع أفعالى القبيحة، وكيف لا أدعوك وأتمّي الجنة مع أفعالك الحسنة الجميلة. إلهي، أنا الذي أدعوك وان عصيتك، ولا ينسى قلبي ذكرك. إلهي، أنا الذي أرجوك وان عصيتك، ولا ينقطع رجائى بكثرة عفوك يا مولاي. إلهي، ذنوبى عظيمة، ولكن عفوك أعظم من ذنوبى. إلهي، بعفوك العظيم أغفر لي العظيمة، فإنه لا يغفر الذنوب العظيمة إلا رب العظيم...: الصحفة السجادية ص ٤٧٨، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٣٩.

٤٢ . ثم نظر يميناً وشمالاً بعد هذا الدعاء، ثم قال: أما تدرؤن ما كان أمير المؤمنين<sup>٧</sup> يقول في سجدة الشكر؟ قلنا: وما كان يقول؟ قال: كان يقول: يا من لا يزيدك إلجاج الملحقين إلا جوداً وكرماً، يا من له خزائن السماوات والأرض، يا من له خزائن ما دف وجل، لا يمنعك إساءة من إحسانك، إني أسألك أن تفعل بي ما أنت أهله، وأنت أهل الجود والكرم والعفو، يا الله يا الله، افعل بي ما أنت أهله، وأنت قادر على العقوبة، وقد استحقتها، لا حجّة لي ولا عذر لي عندك، أبو إليك بذنوبى كلها، وأعترف بها كي تغفر عيني...: بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٨٨.

٤٣ . أفكّر في غناك عن عذابي، وفوري إلى رحمتك يا مولاي، مع هوان ما طمعت فيه منك عليك، وعسره عندي ويسره عليك، عظيم قدره عندي، وكبير خطره لدى، وموقه متى، مع جودك بجسم الأمور، وصفحك عن الذنب الكبير، لا يتعاظمك يا سيدى ذنب أن تغفره...: الصحفة السجادية ص ٥٩٢، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٣٥.

٤٤ . إلهي، أمرت بالمعروف وأنت أولى به من المأمورين، وأمرت بصلة السؤال وأنت خير المسؤولين. إلهي، كيف يقلّينا البأس إلى الإمساك عمنا لهجنا بطآباء، وقد ادرعنا من تأمّلنا إياك أبغى ثوابه. إلهي، إذا هرّت الرهبة أفنان مخافتتنا، انقلعت من الأصول أشجارها، وإذا تنسّمت أرواح الرغبة منها أخسان رجائنا، أيّنت بتلقيح البشاره أثمارها...: المصباح ص ٣٧٢، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٠٤.

٤٥ . إلهي، إن أخطأت طريق النظر لنفسى بما فيه كرامتها، فقد أصبت طريق الفزع إليك بما فيه سلامتها. إلهي، إن كانت نفسي استسعدتني منمرة على ما يريدها، فقد استسعدتها الآن بدعائك على ما ينجيها... إلهي، إن أحجم بي قلة الزاد في المسير إليك، فقد وصلته الآن بذخائر ما أعدته من فضل تعويضي عليك: المصباح ص ٣٧٠، بحار الأنوار ص ١٠٢، دستور معالم الحكم ص ١٦٧.

٤٦ . وكان الله أنيسه في الوحشة، وصاحجه في الوحدة: **عدد الداعي** ص ٢١٩.

٤٧ . إلهي، وإن كل حلاوة منقطعة، وحلوة الإيمان تزداد حلاوتها اتصالاً بك: بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٦.

٤٨ . ولو لا تعلقى بالآثاث، وتمسكتى بالرجاء لما ودت أمثالى من المسيرفين، وأشياهى من الخاطفين بقولك: (فُلَيْعِنَاوَى الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تُنْتَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الْذُنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ

أَرْحَمِهِمْ)... مفتاح الفلاح ص ٢٣، المصباح ص ٢٧٨، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٨٢، صحيفه المرضاص .١٠٨

٤٩ . فإن كان ذنبي حالت بين دعائى وإجابتك، فلم يحل كرمك بيئي وبين مغفرتك، لا تضلّ من هديت، ولا تذلّ من واليت، ولا يفترق من أغنت، ولا يسعد من أشقيت...: الصحيفه السجاديه ص ٤٦١، بحار الأنوار ج ٩١ ص .١٦٩

٥٠ . واثبّ بعد ذلك منك بالصفح الكرييم، والعفو القديم، والرحمة الواسعة، فجرأني على معصيتك ما أذنتي من رحمتك ووثبتي على محارمك، ما رأيت من عفوك، ولو خفت تعجيل نقمتك لأخذت حذري منك كما أخذته من غيرك ممّن هو دونك ممّن خفت سطوطه، فاجتنبت ناحيته... عبادك جميعاً إليك فقراء، وأنا أقرّهم إليك، لذنب تغفره، ولغير تجبره...: الصحيفه السجاديه ص ٥٩٤، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٣٤.

٥١ . من أنا يا سيدى فتقصد قصدى بغضّي يدوم منك علىٰ ترى به عذابي، ما أنا في خلقك إلا بمنزلة الذرة في ملك العظيم، فهو لي نفسى بوجودك وكرمك، فإنك تجد متى خلقـاً ولا أجـد منك وبـك غـنى عنـي، ولا غـنى بـي حتى تلـحقـنـي بـهم فـتصـيرـنـي مـعـهـمـ، إنـكـ أـنـتـ العـزـيزـ الـحـكـيمـ...: الصحيفه السجاديه ص ٥٩٧، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٣٦.

٥٢ . إلهي، أنا عبدك الضعيف المذنب، ومملوكك المنيب المعذب، فلا تجعلني ممّن صرفت عنه وجهك، وحججه سهوه عن عفوك...: بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٩.

٥٣ . إلهي، أحب طاعتك وإن قصرت عنها، وأكره معصيتك وإن ركبها...: المصباح ص ٣٧٠، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١١١.

٥٤ . إلهي، إن كنت لا ترحم إلا المجدين في طاعتك، فإلى من يفرّع المقصرّون، وإن كنت لا تقبل إلا من المجتهدين، فإلى من يتّجّن المفرطون، وإن كنت لا تكرم إلا أهل الإحسان، فكيف يصنع المسيؤون، وإن كان لا يفوز يوم الحشر إلا المتقون، فبمن يستغثي المذنبون...: المصباح ص ٣٧١، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٠٣.

٥٥ . إلهي، واجعلني ممّن ناديه فأجباك، ولاحظته فصعّ بحالك، فناجته سرّاً وعمل لك جهراً. إلهي، لم أسلط على حسن ظئي قوط الإياس، ولا انقطع رجائي من جميل كرمك...: إقبال الأعمال ص ٢٩٩، بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٩.

٥٦ . إلهي، كيف أقلب من عندك بالخيبة محروماً، وقد كان حسن ظئي بوجودك أن تقليبي بالنجاة مرحوماً...: الصحيفه السجاديه ص ٤٥٠، إقبال الأعمال ج ٣ ص ٢٩٧، بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٨.

٥٧ . إلهي، ليس تشبه مسألي مسألة السائلين؛ لأنّ السائل إذا شئّع امتنع عن السؤال، وأنا لا اغترّ بي عمّا سألك على كلّ حال. إلهي، ارضّ عّني، فإن لم ترضّ عّني فاعف عّني، فقد يغفو السيد عن عبده وهو عنه غير راضٍ...: الصحيفه السجاديه ص ٤٢٨، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٠٥.

٥٨ . وإن أدخلتني النار أعلمُ أهلهَا أتّي أحبّك...: إقبال الأعمال ج ٣ ص ٩٧، بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٨؛ ولكن أدخلتني النار لأنّه أهل النار بحّي لك...: الصحيفه السجاديه ص ٢٢٢، مصباح المتهجد ص ٥٩٦ بحار الأنوار ج ٩٥ ص ٩٢.

- ٥٩ . إِلَهِي، لَا ترْذُنِي فِي حَاجَةٍ قَدْ أَفْنِتَ عُمْرِي فِي طَلْبِهَا مِنْكَ، وَهِيَ الْمَغْفِرَة...**المصباح** ص ٣٧٥، **بحار الأنوار** ص ٩١.
- ٦٠ . إِلَهِي، مَا وَصَفْتَ مِنْ بَلَاءٍ ابْتِيلَتِيهِ، أَوْ إِحْسَانٍ أَوْ لَيْتَنِيهِ، فَكُلُّ ذَلِكَ بِمَنْكَ فَعْلَتْهُ، وَعَفْوُكَ تَامٌ ذَلِكَ إِنْ أَنْتَمْتَهُ...**المصباح** ص ٣٧٥، **بحار الأنوار** ص ٩١.
- ٦١ . لَوْلَا مَا عَرَفْتَ مِنْ كَرْمِكَ، مَا رَجُوتُ ثَوَابِكَ، وَأَنْتَ أَوْلَى الْأَكْرَمِينَ بِتَحْقِيقِ أَمْلَاهُ، وَأَرْحَمَ مِنْ اسْتَرْحَمَ فِي تَجَالِزِهِ عَنِ الْمَذَنِبِينِ. إِلَهِي، نَفْسِي تَمَنَّيْتِي بِأَنْكَ تَغْفِرْ لِي، فَأَكْرَمَ بِهَا أَمْنِيَّةً بَشَّرَتْ بِعَفْوِكَ، فَصَدَّقَ بِكَرْمِكَ مَبِشَّرَاتِ تَمَنَّيهَا، وَهَبَ لِي بِجُودِكَ مَدِيرَاتِ تَجَنِّبِهَا...**المصباح** ص ٣٧٥، **بحار الأنوار** ص ٩١.
- ٦٢ . إِلَهِي، أَصَبَحْتُ عَلَى بَاطِنِي مِنْ حَلْكَ سَائِلَةً، وَعَنِ التَّعَرُضِ لِسَوْاْكَ بِالْمَسْأَلَةِ عَادِلًا، وَلَيْسَ مِنْ جَمِيلِ امْتِنَانِكَ رَدُّ سَائِلِ مَلْهُوفٍ وَمُضْطَرٍ لِلنَّتَارِ خَيْرِكَ الْمَأْلُوفِ... لَوْلَمْ تَطْلُقْ لِسَانِي بِدَعَائِكَ مَا دَعَوْتَ، وَلَوْلَمْ تَعْرَفْنِي حَلاوةَ مَعْرِفَتِكَ مَا عَرَفْتَ، وَلَوْلَمْ تَعْرَفْنِي حَقِيقَةَ مَعْرِفَتِكَ مَا عَرَفْتَ...**المزار لابن المشهدی** ص ١٥١، **جمال الأسبوع** ص ٢، **بحار الأنوار** ص ٩١.
- ٦٣ . تَرْكِي لِلِّاسْتِغْفَارِ مَعْ سَعَةِ رَحْمَتِكَ عَجَزٌ. إِلَهِي، كَمْ تَحْبَبْ إِلَيْيَ باللَّعْمِ وَأَنْتَ عَنِي غَنِيٌّ، وَأَتَبْعَضُ إِلَيْكَ بِالْمَعَاصِي وَأَنَا إِلَيْكَ مَحْتَاجٌ، فَيَا مِنْ إِذَا وَعَدَ وَفَاءً، وَإِذَا تَوَاعَدَ عَفَاءً...**الصحيفة السجادية** ص ٨٤، **بحار الأنوار** ص ٩١.
- ٦٤ . مَا كُنْتُ عَبْدًا لِغَيْرِكَ فَيَكُونُ غَيْرُكَ لِي مَوْلِي، وَلَا كُنْتُ مَرْزُوقًا مِنْ سَوْاْكَ فَأَسْتَدِيمُهُ عَادَةَ الْحَسْنَى، وَمَا قَصَدْتُ بِبَاطِنِي إِلَّا بَاطِنَكَ، فَلَا تَظْرُدْنِي مِنْ بَاطِنِكَ الْأَدْنِي...**الصحيفة السجادية** ص ١٨٦، **بحار الأنوار** ص ٩١.
- ٦٥ . يَامِنْ هُوَ عَوْضُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَلَيْسَ مِنْهُ عَوْضٌ...**بحار الأنوار** ص ٩١.
- ٦٦ . إِلَهِي، مَا أَضَيقَ الطَّرِيقَ عَلَيْيَ مِنْ لَمْ تَكُنْ أَنْتَ أَنْيَسِي. إِلَهِي، إِنْ طَالِبَنِي بِذِنْبِي لِأَطَالِبَنِكَ بِعَفْوِكَ، وَلَئِنْ طَالِبَنِي بِسَرِيرَتِي لِأَطَالِبَنِكَ بِكَرْمِكَ...**المزار لابن المشهدی** ص ١٥٠، **بحار الأنوار** ص ٩١.
- ٦٧ . أَنَا الَّذِي لَا أَقْطَعُ مِنْكَ رِجَائِي، وَلَا أَخْبِبُ مِنْكَ دَعَائِي. إِلَهِي، نَظَرْتُ إِلَى عَمَلِي فَوُجُدَتْهُ ضَعِيفًا، وَحَاسِبْتُ نَفْسِي فَوُجِدَتْهَا لَا تَقْوِي عَلَى شَكْرِ نَعْمَةٍ وَاحِدَةٍ أَنْعَمْتَهَا عَلَيَّ...**الصحيفة السجادية** ص ٤٨٥، **بحار الأنوار** ص ٩١.
- ٦٨ . إِلَهِي، مَتَى خَابَ فِي غَنَائِكَ آمِلُ، وَانْصَرَفَ بِالرَّدِّ عَنِكَ سَائِلٌ، أَمْ مَتَى دُعِيْتَ فِلَمْ تَجَبَ، أَمْ اسْتُوْهِيْتَ فِلَمْ تَهَبَ، يَا مِنْ أَمْرِ الدُّعَاءِ، وَتَكَلَّلَ بِالْوَفَاءِ، لَا تَحْرِمْنِي رِضْوَانِكَ...**بحار الأنوار** ص ٩١.
- ٦٩ . إِلَهِي وَسِيْدِي وَمَوْلَايِ، إِنْ رَدَدْتَنِي إِلَى نَفْسِي أَهْلَكْتَنِي. إِلَهِي، وَسِيْدِي وَمَوْلَايِ إِنْ رَدَدْتَنِي إِلَى سُؤَالِ غَيْرِكَ أَذْلَلْتَنِي. إِلَهِي وَسِيْدِي وَمَوْلَايِ، أَوْيَقْنَتِي ذَنْبِي وَأَنْتَ أَوْلَى مِنْ عَفَا عَنِّي...**الصحيفة السجادية** ص ٤٩٨، **بحار الأنوار** ص ٩١.
- ٧٠ . وَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ يَبْطِرُهُ الرِّخَاءُ وَيَصْرُعُهُ الْبَلَاءُ، فَلَا يَدْعُوكَ إِلَّا عِنْدَ حَلُولِ نَازِلَةٍ، وَلَا يَذْكُرُكَ إِلَّا عِنْدَ وَقْعِ جَائِحَةٍ فَيَصْرُعُ لَكَ خَدَّهُ، وَتَرْفَعُ بِالْمَسْأَلَةِ إِلَيْكَ يَدِهِ...**الصحيفة السجادية** ص ٤٨٧، **بحار الأنوار** ص ٩١.

- ٧١ . فسألتك مسألة من لا يستوجب أن تسمع له دعوة؛ لعظيم ما كنت فيه من الغفلة، وطلبت طلبة من لا يستحق نجاح الطلبة؛ للذي كنت فيه من اللهو والفتنة، وضررت من تصرّع من لا يستوجب الرحمة؛ لما كنت فيه من الزهو والاستطالة... ووعدتني منك وعداً حسناً أن أدعوك فستجيب لي، فأنا أدعوك كما أمرتني، فاستجب لي كما وعدتني، وزدني من نعمتك وعافيتك وكلاهاتك وسترك...: الدعوات ص ١٧٦، الصحيفة السجادية ص ٨٠، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٣٦.
- ٧٢ . لا أعرف من نفسي إلا كل الذي يسوزني، ولا أعرف منك إلا كل الذي يسرّني...: بحار الأنوار ج ٩٢ ص ٤٣٣.
- ٧٣ . يا خيراً من أبي وأمي، ومن الناس كلهم أجمعين... يا خيراً من خلوت به في وحدتي...: الصحيفة السجادية ص ٦٨، بحار الأنوار ج ٩٢ ص ٤٣٦.
- ٧٤ . إلهي، إن كنت لا ترحم إلا المجدين في طاعتك، فإلى من يفرّع المقصرؤن؟ وإن كنت لا تقبل إلا من المجتهدين، فإلى من يلتجي المفترطون؟ سيدتي أمرت بالمعروف وأنت أولى به من المأمورين، وحضرت على إعطاء السائلين وأنت خير المسؤولين، وندبت إلى عتق الرقاب وأنت خير المعذّبين...: بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٦٥.
- ٧٥ . أقبل بوجهك الكريم إليه، ولا تصرفه عنّي: الأمالى للمفید ص ٢٤٣، بحار الأنوار ج ٩٢ ص ١٨٣.
- ٧٦ . وحبي لك شفيعي إليك، وأنا واثق من دليلي بدلاليك، وساكن من شفيعي إلى شفاعتك...: مصباح المتّهجد ص ٥٨٣، إقبال الأعمال ج ١ ص ١٥٩، بحار الأنوار ج ٩٥ ص ٨٣.
- ٧٧ . فإن كرمك يحفل عن مجازات المذنبين...: مصباح المتّهجد ص ٥٨٤، بحار الأنوار ج ٩٥ ص ٨٤.
- ٧٨ . أين غيالك السريع؟ أين رحمتك الواسعة؟ أين عطاياك الفاضلة...: مصباح المتّهجد ص ٥٨٥، المصباح ص ٥٩١، بحار الأنوار ج ٩٥ ص ٨٤.
- ٧٩ . يا حبيب من تحبّ إليه، ويا فرقة عين من لاذ به وانقطع إليه...: مصباح المتّهجد ص ٥٨٥، بحار الأنوار ج ٩٤ ص ٣٣٨.
- ٨٠ . أنا صاحب الدواهي العظمي، أنا الذي لم استحيك في الخلاء... أنا الذي على سيده اجترى...: إقبال الأعمال ج ١ ص ١٥٥، المصباح ص ٥٩٤، بحار الأنوار ج ٩٥ ص ٨٧.
- ٨١ . يامن أقال عثرتي، ونفس كريبي، وأجاب دعوتي، وستر عورتي وغفر ذنبي...: إقبال الأعمال ج ٢ ص ٨٢، بحار الأنوار ج ٩٥ ص ٢٢١.
- ٨٢ . فوعزتك لو انتهيت ما بربت من بالك، ولا كففت عن تملّقك؛ لما لهم قلبي يا سيدى من المعرفه بكرمك وسعة رحمتك...: مصباح المتّهجد ص ٥٩٠، المصباح ص ٥٩٥، بحار الأنوار ج ٩٥ ص ٨٨.
- ٨٣ . مولاي، بذكرك عاش قلبي، وبمناجتك تزداد ألم الخوف عنّي، فيما مولاي ويا مؤتملي ويا منتهي سؤلي... فإنما أسألك لقديم الرجاء لك، وعظمي الطمع فيك الذي أوجبه على نفسك من الرفاة والرحمة...: مصباح المتّهجد ص ٥٩٢، بحار الأنوار ج ٩٥ ص ٨٩.
- ٨٤ . اللهم إني استغفر لك لما تبت إليك منه ثم عدت فيه...: مصباح المتّهجد ص ٢١٩، مستدرك الوسائل ج ٦ ص ٢٨١، مكارم الأخلاق ص ٣٠٣، الدروع الواقعية ص ٢٤٨، جامع أحاديث الشيعة ج ٧ ص ٣٧٤، كنز

## العَمَالِج٢ ص ٧٠١.

٨٥ . سَيِّدِي، بِمَنْ أَسْتَغْيِثُ إِنْ لَمْ تَقْلِنِي عَشْرِتِي، وَإِلَى مَنْ أَفْرَغْتُ عَنِي أَنْتَكَ فِي ضَجَّعِتِي... سَيِّدِي مَنْ لَيْ وَمَنْ يَرْحَمْنِي إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي... فَإِنْ كُثْرَةً ذُنُوبِي لَا أَرْجُو لَهَا إِلَّا عَفْوَكَ، سَيِّدِي أَنَا أَسْأَلُكَ مَا لَا أَسْتَحْقَقُ، وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ... مَصْبَاحُ الْمَتَهَبِّجِ ص ٥٩٣، إِقْبَالُ الْأَعْمَالِج١ ص ١٧٠، بِحَارُ الْأَنُوَارِج١ ص ٩٥ .٩٠

٨٦ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لَهُمْ لَا يَفْزُجُهُ غَيْرُكَ، وَلِرَحْمَةِ لَا تَنْتَلِ إِلَّا بِكَ...: مَصْبَاحُ الْمَتَهَبِّجِ ص ٧١، فَلَاحُ السَّائِلِ ص ١٩٤، بِحَارُ الْأَنُوَارِج١ ص ٨٣ .١٨٢

٨٧ . فَوْعَزَّتِكَ يَا سَيِّدِي، لَوْ اتَّهَرْتِنِي مَا بَرَحْتَ مِنْ بَابِكَ... إِنَّ لَنَا فِيكَ رَجَاءً عَظِيمًا، عَصِينَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَرِ عَلَيْنَا...: إِقْبَالُ الْأَعْمَالِج١ ص ١٦١، بِحَارُ الْأَنُوَارِج١ ص ٩٥ .٨٥

٨٨ . إِلَهِي، كَيْفَ آيِسَ مِنْ حَسْنِ نَظْرِكَ لَى بَعْدِ مَمَاتِي وَأَنْتَ لَمْ تُولِّي إِلَى الْجَمِيلِ فِي حَيَاتِي...: إِقْبَالُ الْأَعْمَالِج٣ ص ٢٩٦، بِحَارُ الْأَنُوَارِج١ ص ٩٢ .٢٤٢

٨٩ . نَكْمَ تَحْجَبَ إِلَيَّ بِالنَّعْمَ مَعْ غَنَّاكَ عَنِّي، وَتَبَعَّضَ إِلَيْكَ بِالْمَعَاصِي مَعْ فَقْرِي إِلَيْكَ...: مَصْبَاحُ الْمَتَهَبِّجِ ص ٥٦٦، تَهْذِيبُ الْأَحْكَامِج٣ ص ٩٣، بِحَارُ الْأَنُوَارِج١ ص ٩٥ .١٣٣

٩٠ . مَتَّ خَابَ فِي فَنَانِكَ أَمْأَلِي، أَمْ مَتَّ انْصَرَفَ بِالرَّدَّ عَنِكَ سَانِثَيْنِ... إِلَهِي، مَا دَعَاكَ مِنْ لَمْ تَجْهِي؛ إِلَّا كَقَلْتَ: ادْعُونِي اسْتَجِبْ لَكُمْ، وَأَنْتَ لَا تَخْلُفُ الْمِيعَادِ...: بِحَارُ الْأَنُوَارِج١ ص ٩١ .١١٢

٩١ . سَيِّدِي عَافِيَةٌ مِنْ أَرْجُو إِنْ لَمْ أَرْجِعَ فَعِيَّتِكَ، وَغَفُونَ أَرْجُو إِنْ لَمْ أَرْجِعَ عَفْوَكَ، وَرَحْمَةٌ مِنْ أَرْجُو إِنْ لَمْ أَرْجِعَ رَحْمَتِكَ، وَمَغْفِرَةٌ مِنْ أَرْجُو إِذَا لَمْ أَرْجِعَ مَغْفِرَتِكِ...: الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ ص ٣٣٥، بِحَارُ الْأَنُوَارِج١ ص ٩٥ .٢٣٧

٩٢ . أَنْتَ أَنْتَ انْقَطَعُ الرَّجَاءُ إِلَيْكَ، وَخَابَتُ الْأَمَالُ إِلَيْكَ، فَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي يَا مَوْلَايِ...: مَفْتَاحُ الْفَلَاحِ ص ٢٠٨، الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ ص ٣٤٧، وَسَائِلُ الشِّعْبَةِج٨ ص ١٢٧، بِحَارُ الْأَنُوَارِج١ ص ٩٧ .١٩٠

٩٣ . وَارْزَقْنِي تَوْبَةً نَصْوَحًا أَسْتَوْجِبْ بِهَا مَحْبِبِكِ: إِقْبَالُ الْأَعْمَالِج٢ ص ٢، بِحَارُ الْأَنُوَارِج١ ص ٩٥ .٣١٤

٩٤ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ: مَسْنَدُ أَحْمَدِج٢ ص ١٦٧، سَنَنُ أَبْنِ مَاجَةِج١ ص ٩٢، سَنَنُ أَبْنِ دَاوِدِج١ ص ٣٤٥، سَنَنُ النَّسَائِيِّج٨ ص ٢٦٣، مَسْنَدُ دَرْدَكِج١ ص ١٠٤، عُونُ الْمَعْوُدِج١٢ ص ٢٠٧، السَّنَنُ الْكَبِيرِج٤ ص ٤٤٥، مَسْنَدُ أَبِي يَعْلَمِج١١ ص ٤١١، الْمَعْجَمُ الْأَوْسَطُج١ ص ٢٠٦، الْمَعْجَمُ الْكَبِيرِج١١ ص ٤٤، مَسْنَدُ الشَّامِيِّينِج٤ ص ٣٠٣، تَهْذِيبُ الْكَمَالِج١٤ ص ١٤، مِيزَانُ الْاعْدَالِج٣ ص ٢٠٨ .

٩٥ . لَا تَكْلِنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنِ...: الْكَافِيِّج٧ ص ٧، دَعَائِمُ الْإِسْلَامِج٢ ص ٣٤٦، كِتَابُ مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهِج٤ ص ١٨٨، تَفْسِيرُ الْقَمِيِّج٢ ص ٥٦، تَفْسِيرُ نُورِ الثَّقَلَيْنِج٣ ص ١٩٩، مَجْمُوعُ الزَّوَادِج١٠ ص ١٨١، الْجَامِعُ الصَّغِيرُج١ ص ٢٢٠، كِتَابُ الْعَمَالِج٢ ص ١٣٩، تَفْسِيرُ الشَّعَالِيِّج٣ ص ٤٨٨، تَفْسِيرُ الْأَلْوَسِيِّج١٥ ص ١٢٩ .

٩٦ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَخْلَصْتُ بِانْقِطَاعِي إِلَيْكَ، وَأَبْلَغْتُ بِكَلْيَّ عَلَيْكَ، وَصَرَفْتُ وَجْهِي عَمَّنْ يَحْتَاجُ إِلَى رَفْدِكَ، وَقَلَّبْتُ مَسَالَتِي عَمَّنْ لَمْ يَسْتَعْنِ عَنْ فَضْلِكِ...: الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ ص ١٤٤، تَفْسِيرُ نُورِ الثَّقَلَيْنِج٥ ص ١٣٣ .

- ٩٧ . يا من يعطي من سأله تحنناً منه ورحمة، ويبتديء بالخير من لم يسأله تفضلاً منه وكرماً...: **مصباح المتهجد** ص ٥٩٨، إقبال الأعمال ج ١ ص ١٧٧، بحار الأنوار ج ٩٥ ص ٩٥.
- ٩٨ . هذا مقام من تداولته أيادي الذنب، واستحوذ عليه الشيطان، فقصر عمّا أمرت به تفريطاً... فأقبل نحوك مؤملاً لك مستحيياً منك...: الصحيفة السجادية ص ١٥٢.
- ٩٩ . وقد قلت يا إلهي في محكم كتابك أنت تقبل التوبة عن عبادك، وتعفو عن السيئات، وتحب التوابين، فاقبل توبتي كما وعدت، واعف عن سيئاتي كما ضمنت...: الصحيفة السجادية ص ١٥٣.
- ١٠٠ . إن يكن الندم توبة إليك، فأنا ندم النادمين... إن يكن الاستغفار حطة للذنب، فإني لك من المستغفرين، اللهم فكما أمرت بالتوبة وضمنت القبول وحثت على الدعاء ووعدت الإجابة...: الصحيفة السجادية ص ١٦٥.
- ١٠١ . أنت الذي فتحت لعبادك باباً إلى عفوك وسميته التوبة، وجعلت على ذلك الباب دليلاً من وحيك؛ لذا يضلوا عنه، فقلت تبارك اسمك: (تُبُوِّإِلَى اللَّهِ تَوْبَةً تُصُوَّحَا)...: **مصباح المتهجد** ص ٧٤٢، إقبال الأعمال ج ١ ص ٤٢٣.
- ١٠٢ . بابك مفتوح للراغبين، وجودك مباح للسائلين، وإغاثتك قريبة من المستغيثين... عادتك الإحسان إلى المسيئين، وستنك الإبقاء على المعذين...: **مصباح المتهجد** ص ٣٦٩، جمال الأسبوع ٢٦٢، المصباح ص ٤٣٣.
- ١٠٣ . فها أنا ذاؤمك بالوفادة، وأسألك حسن الرفادة... واسمع نجواي واستجب دعائي، ولا تختتم يومي بخيبتي...: **مصباح المتهجد** ص ٣٧١، المصباح ص ٤٣٦.
- ١٠٤ .وها أنا ذا بين يديك صاغراً ذليلاً خاصعاً خائفاً، معترضاً بعظيم من الذنب تحمله، وجليل من الخطايا اجترمتها... موتنا أنه لا يجرني منك مجرراً...: **المصباح** ص ٦٧٦.
- ١٠٥ . وزين لي التفرد بمناجاتك بالليل والنهار...: الصحيفة السجادية ص ٣٢٨.
- ١٠٦ . وهب لي رحمة واسعة جامدة أبلغ بها خير الدنيا والآخرة...: **مصباح المتهجد** ص ٥٩٨، إقبال الأعمال ج ١ ص ١٧٧.
- ١٠٧ . إلهي، كم من بلا وجهيد قد صرفت عنّي، وكم من نعمة سابقة أقررت بها عيني... أنت الذي أجبت عند الاضطرار دعوتي... بل وجدتك لدعاني ساماً ولمطالبي معطياً...: الصحيفة السجادية ص ٣٧٦.
- ١٠٨ . جللت أن يخاف منك إلا العدل، وأن يرجي منك إلا الإحسان والفضل... يا من يسمى بالغفور الرحيم... أقبل توبتي، وزرك عملي، واشكر سعي، وارحم ضراعتي...: **بحار الأنوار** ج ٩٩ ص ٥٦.
- ١٠٩ . فإن كانت الذنب قد حالت بي بينك أن تقبل عليّ بوجهك وتنشر عليّ برحمتك وترفع لي إليك صوتاً... متقرّباً بنبيك محمد أحب خلقك إليك وأكرمهم لديك... وبعترته صلى الله عليهم، الهداة المهدية...: **مصباح المتهجد** ص ٩٩٤، إقبال الأعمال ج ٢ ص ١٠٧، بحار الأنوار ج ٩٩ ص ١٧٢.

## منابع

- ١ الاختصاص ، المنسوب إلى أبي عبدالله محمد بن النعمان المكتري البغدادي المعروف بالشيخ المفید (ت ٤١٣ هـ) ، تحقيق: علي أكبر الغفاری ، بيروت: دار المفید للطباعة والنشر والتوزيع ، الطبعة الثانية، ١٤١٤ هـ.
- ٢ إقبال الأعمال . السيد ابن طاوس ، (ت ٦٦٤ هـ) ، تحقيق: جواد القیومی الإصفهانی ، قم: مکتب الإعلام الإسلامي ، الطبعة الأولى.
- ٣ الأُمالي ، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠ هـ) ، تحقيق: مؤسسة البعثة ، قم: دارالقافة ، الطبعة الأولى ، ١٤١٤ هـ.
- ٤ الأُمالي ، أبو عبدالله محمد بن النعمان المكتري البغدادي المعروف بالشيخ المفید (ت ٤١٣ هـ) ، بيروت: دار المفید للطباعة والنشر والتوزيع ، الطبعة الثانية ، ١٤١٤ هـ.
- ٥ الأُمالي ، محمد بن علي بن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (ت ٣٨١ هـ) ، تحقيق: مؤسسة البعثة ، قم: مؤسسة البعثة ، الطبعة الأولى ، ١٤١٧ هـ.
- ٦ عبحار الأنوار الجامعية لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام . محمد باقر بن محمد تقى المجلسي (ت ١١١٠ هـ) ، تحقيق: دار إحياء التراث ، بيروت: دار إحياء التراث ، طبعة الأولى ، ١٤١٢ هـ.
- ٧ تفسير القمي ، علي بن إبراهيم القمي ، (ت ٣٢٩ هـ) ، تحقيق: السيد طیب الموسوی الجزائري ، قم: منشورات مکتبة الهدی ، الطبعة الثالثة ، ١٤٠٤ هـ.
- ٨ تفسیر نور التقیین ، عبد الله بن جمیع العروسي الحویزی (ت ١١١٢ هـ) ، تحقيق: هاشم الرسولی المحلانی ، قم: مؤسسة إسماعیلیان ، الطبعة الرابعة ، ١٤١٢ هـ.
- ٩ تهذیب الکمال فی أسماء الرجال ، یونس بن عبد الرحمن المزّی (ت ٧٤٢ هـ.ق) ، تحقيق : الدكتور بشّار عواد معروف ، بيروت: مؤسسة الرسالة ، الطبعة الأولى ، ١٤٠٩ هـ.
- ١٠ التهذیب (تهذیب الأحكام فی شرح المقنعة) ، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠ هـ) ، طهران: دار الكتب الإسلامية ، الطبعة الثالثة ، ١٣٦٤ ش.

- ١١ **جامع أحاديث الشيعة**، السيد البروجردي (ت ١٣٨٢هـ)، قم: المطبعة العلمية.
- ١٢ **الجامع الصغير في أحاديث البشير النذير**، جلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطي (ت ٩١١هـ)، بيروت: دار الفكر، الطبعة الأولى.
- ١٣ **جمال الأسبوع بكمال العمل المنشور**، رضي الدين علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن طاوس الحسني الحسيني (ت ٦٦٤هـ)، تحقيق جواد قيومي، قم: مؤسسة الآفاق، الطبعة الأولى، ١٣٧١هـ.
- ١٤ **الخصال**، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١هـ)، تحقيق: علي أكبر الغفارى، قم: منشورات جماعة المدرسین في الحوزة العلمية.
- ١٥ **دستور معلم الحكم**، ابن سلامة، (ت ٤٥٤هـ)، قم: مكتبة المفید، الطبعة الأولى.
- ١٦ **دعائم الإسلام وذكر الحلال والحرام والقضايا والأحكام**، أبو حنيفة النعمان بن محمد بن منصور بن أحمد بن حبيون التميمي المغربي (ت ٣٦٣هـ)، تحقيق: آصف بن علي أصغر فيضي، مصر: دار المعارف، الطبعة الثالثة، ١٣٨٩هـ.
- ١٧ **الدعوات**، أبو الحسن سعيد بن عبد الله الرواندي المعروف بقطب الدين الرواندي (ت ٥٧٣هـ)، تحقيق: مؤسسة الإمام المهدي (عج)، قم: مؤسسة الإمام المهدي عج، الطبعة الأولى، ١٤٠٧هـ.
- ١٨ **روضة الوعظين**، محمد بن الحسن بن علي الفتال النيسابوري (ت ٥٠٨هـ)، تحقيق: محمد مهدي الخرسان، قم: منشورات الشريفة الرضي.
- ١٩ **سنن ابن ماجة**، أبو عبد الله محمد بن يزيد بن ماجة القزويني (ت ٢٧٥هـ)، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء التراث، الطبعة الأولى، ١٣٩٥هـ.
- ٢٠ **ال السن الكبرى**، أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي البهقى (ت ٤٥٨هـ)، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى، ١٤١٤هـ.
- ٢١ **سنن النسائي**، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي بن بحر النسائي (ت ٣٠٣هـ)، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الأولى، ١٣٤٨هـ.
- ٢٢ **شرح نهج البلاغة**، ابن أبي الحديد، (٦٥٥هـ)، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، مؤسسة مطبوعاتي إسماعيليان، قم: بالأوفقيات عن طبعة دار إحياء الكتب العربية.
- ٢٣ **صحيفة الرضا**، جمع: جواد قيومي الإصفهاني (معاصر)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجامعة المدرسین.
- ٢٤ **العدد القوية** رضي الدين علي بن يوسف الحلبي (ق ٨هـ)، تحقيق: مهدي الرجائي، قم: مكتبة آية الله

- المرعشی العائمه، ۱۴۰۸هـ.
- ٢٥ **عدة الداعی ونجاة المساعی**، أبو العباس أحمد بن محمد بن فهد الحلي الأستاذی (ت ۸۴۱هـ)، تحقيق: أحمد موحدی، طهران: مکتبة وجданی.
- ٢٦ **عون المعبود (شرح سنن أبي داود)**، محمد شمس الحق العظيم الآبادی (ت ۱۳۲۹هـ)، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى، ۱۴۱۵هـ.
- ٢٧ **فضل الكوفة ومساجدها**، محمد بن جعفر المشهدی (ق ۶۵هـ)، تحقيق محمد سعید الطريحي، بيروت: دار المرتضی.
- ٢٨ **فلاح السائل**، رضی‌الدین علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس الحسینی (ت ۶۶۴هـ)
- ٢٩ **الکافی**، أبو جعفر تقی‌الإسلام محمد بن یعقوب بن إسحاق الكلینی الرازی (ت ۳۲۹هـ)، تحقيق: علی‌اکبر الغفاری، طهران: دار الكتب الإسلامية، الطبعة الثانية، ۱۳۸۹هـ.
- ٣٠ **كتاب من لا يحضره الفقيه**، أبو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه الفقیح المعروف بالشیخ الصدوّق (ت ۳۸۱هـ)، تحقيق: علی‌اکبر الغفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامي.
- ٣١ **كتن العمال في سنن الأقوال والأفعال**، علی‌المتنقی بن حسام‌الدین‌الهندي (ت ۹۷۵هـ)، تصحیح: صفوۃ السقا، بيروت: مکتبة التراث الإسلامي، ۱۳۹۷هـ. الطبعة الأولى.
- ٣٢ **كتن الفوائد**، أبو الفتح محمد بن علی‌الکراجکی (ت ۴۴۹هـ).
- ٣٣ **مجمع الروايد ومتني الفوائد**، نور‌الدین علی‌بن أبي بکر الهیشی (ت ۸۰۷هـ)، تحقيق: عبد‌الله محمد درویش، بيروت: دار الفکر، الطبعة الأولى، ۱۴۱۲هـ.
- ٣٤ **المزار**، محمد بن المشهدی (ت ۶۱۰هـ)، تحقيق: جواد القیومی، قم: مؤسسه النشر الإسلامي الطبعة الأولى، ۱۴۱۹هـ.
- ٣٥ **المزار**، محمد مکی‌العاملي‌الجزینی الشهیر بالشهید الأول (ت ۷۸۶هـ)، تحقيق ونشر: مدرسة الإمام المهدی- قم الطبعه الأولى، ۱۴۱۰هـ.
- ٣٦ **مستدرک الوسائل**، المیرزا النوری، (۱۳۲۰هـ)، قم: مؤسسه آل البيت للتراث لإحياء التراث، الطبعة الأولى، ۱۴۰۸هـ.
- ٣٧ **المستدرک على الصحيحين**، أبو عبد‌الله محمد بن عبد‌الله الحاکم النیسابوری (ت ۴۰۵هـ)، إشراف: یوسف عبد‌الرحمن المرعشلی، طبعة مزیدة بفہرنس الأحادیث الشریفة.
- ٣٨ **مسند أبي يعلى**، أبو یعلى الموصلی، (۵۳۰۷هـ)، تحقيق: حسین سلیم اسد، دار المأمون للتراث.

- ٣٩ مسند أَحْمَدَ، أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ حَنْبَلِ الشَّيْبَانِيِّ (ت ٢٤١ هـ)، بِيْرُوْت: دَارُ صَادِرٍ.
- ٤٠ مسند الرضا، رواية: داود بن سليمان الغازى (ت ٢٠٣ هـ)، تحقيق: أَحْمَدُ جَوَادُ حَسِينِ الْجَلَالِيِّ، قَمَّ: مَرْكَزُ النَّشْرِ التَّابِعُ لِمَكْتَبِ الْإِعْلَامِ الْإِسْلَامِيِّ.
- ٤١ مسند الشاميّن، سليمان بن أحمد الطبراني، (ت ٣٦٠ هـ)، تحقيق: حمدي عبد الحميد السلفي، بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الثانية، ١٤١٧ هـ.
- ٤٢ المصباح، الشيخ الكفعي، (ت ٩٠٥ هـ)، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، الطبعة الثالثة، ١٤٠٣ هـ.
- ٤٣ مصباح المتهجد، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠ هـ)، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة، الطبعة الأولى.
- ٤٤ المعجم الكبير، أبو القاسم سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني (ت ٣٦٠ هـ)، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، الطبعة الثانية، ١٤٠٤ هـ.
- ٤٥ مفتاح الفلاح، بهاء الدين محمد بن الحسين بن عبد الصمد الحرثي الهمданى العاملى المعروف بالشيخ البهائى، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات.
- ٤٦ مكارم الأخلاق، أبو علي الفضل بن الحسن الطرسى (ت ٥٤٨ هـ)، تحقيق: علاء آل جعفر، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة الأولى، ١٤١٤ هـ.
- ٤٧ وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، محمد بن الحسن العزى العاملى (ت ١١٠٤ هـ)، تحقيق: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، قم، الطبعة الأولى، ١٤٠٩ هـ.

## بیوگرافی مؤلف

دکتر مهدی خدامیان آرانی به سال ۱۳۵۳ در شهرستان آران و بیدگل اصفهان دیده به جهان گشود. وی در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه کاشان شد و در سال ۱۳۷۲ در دانشگاه علامه طباطبائی تهران در رشته ادبیات عرب مشغول به تحصیل گردید.

ایشان در سال ۱۳۷۶ به شهر قم هجرت نمود و دروس حوزه را تا مقطع خارج فقه و اصول ادامه داد و مدرک سطح چهار حوزه علمیه قم (دکترای فقه و اصول) را أخذ نمود. موفقیت وی در کسب مقام اول مسابقه جهانی کتاب رضوی بیروت در تاریخ ۸/۸/۸۸ مایه خوشحالی هموطنانش گردید و اوّلین بار بود که یک ایرانی توانست در این مسابقات، مقام اول را کسب نماید.

با اسازی مجموعه هشت کتاب از کتب رجالی شیعه از دیگر فعالیت‌های پژوهشی این استاد است که فهارس الشیعه نام دارد، این کتاب ارزشمند در اوّلین دوره جایزه شهاب، چهاردهمین دوره کتاب فصل و یازدهمین همایش حامیان نسخ خطی به رتبه برتر دست یافته است و در سال ۱۳۹۰ به عنوان اثر برگزیده سیزدهمین همایش کتاب سال حوزه انتخاب شد.

دکتر خدامیان هرگز جوانان این مرز و بوم را فراموش نکرد و در کنار فعالیت‌های علمی، برای آنها نیز قلم زد. او تاکنون بیش از ۷۰ کتاب فارسی نوشته است که بیشتر آنها جوايز مهمی در جشنواره‌های مختلف کسب نموده است. قلم روان، بیان جذاب و همراه بودن با مستندات تاریخی - حدیثی از مهمترین ویژگی این آثار می‌باشد.

آثار فارسی ایشان با عنوان «مجموعه اندیشه سبز» به بیان زیبایی‌های مکتب شیعه می‌پردازد و تلاش می‌کند تا جوانان را با آموزه‌های دینی بیشتر آشنا نماید. این مجموعه با همت اشارات وثوق به زیور طبع آراسته شده است.

فهرست کتب نویسنده  
کتب چاپ شده تا بهار ۱۳۹۳

۱. همسر دوست داشتنی. (خانواده)
۲. داستان ظهرور. (امام زمان ع)
۳. قصه مراج. (سفر آسمانی پیامبر ص)
۴. در آغوش خدا. (زیبایی مرگ)
۵. لطفاً لبخند. (شادمانی، نشاط)
۶. با من تماس بگیرید. (آداب دعا)
۷. در اوج غربت. (شهادت مسلم بن عقیل)
۸. نوای کاروان. (حمسه کربلا)
۹. راه آسمان. (حمسه کربلا)
۱۰. دریای عطش. (حمسه کربلا)
۱۱. شب رویایی. (حمسه کربلا)
۱۲. پروانه‌های عاشق. (حمسه کربلا)
۱۳. طوفان سرخ. (حمسه کربلا)
۱۴. شکوه بازگشت. (حمسه کربلا)
۱۵. در قصر تنها‌یی. (امام حسن ع)
۱۶. هفت شهر عشق. (حمسه کربلا)
۱۷. فریاد مهتاب. (حضرت فاطمه ع)
۱۸. آسمانی ترین عشق. (فضیلت شیعه)
۱۹. بهشت فراموش شده. (پدر و مادر)
۲۰. فقط به خاطر تو. (اخلاص در عمل)

۲۱. راز خوشنودی خدا. (کمک به دیگران)
۲۲. چرا باید فکر کنیم. (ارزش فکر)
۲۳. خدای قلب من. (مناجات، دعا)
۲۴. به باغ خدا برویم. (فضیلت مسجد)
۲۵. راز شکر گزاری. (آثار شکر نعمت‌ها)
۲۶. حقیقت دوازدهم. (ولادت امام زمان ع)
۲۷. لذت دیدار ماه. (زيارة امام رضا ع)
۲۸. سرزینیان یاس. (福德، فاطمه ع)
۲۹. آخرین عروس. (نرجس ع، ولادت امام زمان ع)
۳۰. بانوی چشمہ. (خدیجه ع، همسر پیامبر)
۳۱. سکوت آفتاب. (شهادت امام علی ع)
۳۲. آرزوی سوم. (جنگ خندق)
۳۳. یک سبد آسمان. (چهل آیه قرآن)
۳۴. فانوس اوّل. (اولین شهید ولايت)
۳۵. مهاجر بهشت. (پیامبر اسلام)
۳۶. روی دست آسمان. (غدیر، امام علی ع)
۳۷. گمگشته دل. (امام زمان ع)
۳۸. سمت سپیده. (ارزش علم)
۳۹. تا خدا راهی نیست. (۴۰ سخن خدا)
۴۰. خدای خوبی‌ها. (توحید، خداشناسی)
۴۱. با من مهریان باش. (مناجات، دعا)
۴۲. نردهان آبی. (امام‌شناسی، زیارت جامعه)
۴۳. معجزه دست دادن. (روابط اجتماعی)
۴۴. سلام بر خورشید. (امام حسین ع)
۴۵. راهی به دریا. (امام زمان ع، زیارت آلیس)

- ٤٦. روشنی مهتاب. (شهادت حضرت زهرا<sup>ؑ</sup>)
- ٤٧. صبح ساحل. (امام صادق<sup>ؑ</sup>)
- ٤٨. الماس هستی. (غدیر، امام علی<sup>ؑ</sup>)
- ٤٩. حوادث فاطمیه (حضرت فاطمه<sup>ؑ</sup>)
- ٥٠. تشنہ تراز آب (حضرت عباس<sup>ؑ</sup>)
- ٥١-٥٤. تفسیر باران (تفسیر قرآن در ۱۴ جلد)

#### \* كتب عربي \*

- ٦٥. تحقيق «فهرست سعد». ٦٦. تحقيق «فهرست الحميري». ٦٧. تحقيق «فهرست حميد».
- ٦٨. تحقيق «فهرست ابن بطّة». ٦٩. تحقيق «فهرست ابن الوليد». ٧٠. تحقيق «فهرست ابن قولويه». ٧١. تحقيق «فهرست الصدوق». ٧٢. تحقيق «فهرست ابن عبدون». ٧٣. صرخة النور. ٧٤. إلى الرفيق الأعلى. ٧٥. تحقيق آداب أمير المؤمنين<sup>ؑ</sup>. ٧٦. الصحيح في فضل الزيارة الرضوية. ٧٧. الصحيح في البكاء الحسيني. ٧٨. الصحيح في فضل الزيارة الحسينية. ٧٩. الصحيح في كشف بيت فاطمه<sup>ؑ</sup>.

\* \* \*

جهت خرید کتب فارسی مؤلف با «نشر و ثوّق» تماس بگیرید:

تلفکس: ٣٧٧٣٥٧٠٠ - ٠٢٥ - ٩١٢٢٥٢٥٨٣٩ همراه: ٠٢٥

جهت کسب اطلاع به سایت

Nabnak.ir

مراجعةه کنید.